



۹۹ سوال و جواب در عقیده

تهیه کننده : قریب الله «مطبع»
راجعه الشیخ محمد هشام ابو صلاح طاهری

بغداد و لا ینباع

۹۹ سوال و جواب در عقیده

تهیه کننده: قریب الله "مطیع"

راجعه الشیخ محمد هشام أبو صلاح طاهری

حق چاپ محفوظ است

مشخصات کتاب

نام کتاب: ۹۹ سوال و جواب در عقیده

تهیه کننده: قریب الله "مطیع"

تایپ و صفحه بندی: فضل ربی

نوبت چاپ: اول

پوست الکترونی: qareebullah@hotmail.com

آدرس انترنیتی: www.qareeb.blogfa.com

قریب الله مطیع ، ۱۴۲۶ هـ

ح

فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

مطیع ، قریب الله

۹۹ سؤال و جواب فی العقیة - باللغة الفارسیة / قریب الله مطیع -

المدینة المنورة ، ۱۴۲۶ هـ

۹۹ ص ؛ ۱۴ × ۲۰ سم

ردمك : ۰ - ۹۶۵ - ۴۹ - ۹۹۶۰

۱ - العقیة الإسلامیة

أ - العنوان

۱۴۲۶ / ۷۳۷۸

دیوي ۲۴۰

رقم الإیذاع : ۱۴۲۶/۷۳۷۸

ردمك : ۰ - ۹۶۵ - ۴۹ - ۹۹۶۰



مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء وعلى آله
وأصحابه ومن والاه وبعد . . .

خداوند جَلَّ جَلَالُهُ میفرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا
وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا
أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ التحريم: ۶.

ترجمه: «ای مؤمنان! خود و خانواده خویش را از آتشی
نگاهدارید که آتش انگیز آن مردم و سنگها است، فرشتگانی بر
آن گمارده شده اند که خشن و سختگیر، و زورمند و توانا
هستند، از خدا در آنچه به ایشان دستور داده است نافرمانی
نمیکنند، و همان چیزی را انجام میدهند که به آن مأمور شده
اند»

علمای اسلام همه متفق اند که علم عقیده اسلامی از مهمترین
علوم اسلامی بشمار میرود، زیرا سر نوشت هر مسلمان در دنیا
و آخرت مرتبط به این علم بوده آموختن و عمل کردن به آن بر
همه پیروان آئین اسلام لازم و ضروریست.

اگر مسلمان اصول و زیر بنای دین خود را نداند و با سلاح عقیده صحیح که مبتنی بر قرآن و سنت است مسلح نباشد، در آخرت از جمله زیان کاران خواهد بود، خصوصاً در عصر حاضر که گرایش های مختلف و مفکوره های کفری و انحرافات عقیدوی و بدعت و نو آوری ها دامنگیر این امت شده است.

کتابی که در دسترس شما قرار دارد، آنرا از مراجع و مصادر معتبر و موثوق اهل سنت و جماعت که در باره علم عقیده تألیف شده است جمع آوری نموده و بشکل سوال جواب در آورده شد، تا خواننده گرامی ما را در فهم و درک مسایل و مطالب آن بیشتر کمک نماید.

در پایان خداوند عز و جل را سپاسگزارم که به من توفیق عنایت فرمود تا کتابی را در باره عقیده تهیه نموده به برادران و خواهران مسلمانم تقدیم نمایم.

و صلی الله علی نبینا محمد وعلی آله و صحبه وسلم.

قریب الله مطیع

مدینه منوره ۱۴۲۶/۶/۲۸ هـ ق

قسمت اول

مسائل متعلق به ارکان اسلام

از سوال {۱} الی {۲۱}

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

س ۱:- چرا خداوند تعالی مخلوقات را آفریده است؟

ج :- هدف از آفرینش مخلوقات یکتا پرستی خداوند است.

خداوند می فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾

الذاریات: ۵۶.

ترجمه: «من جن و انسانها را جز برای پرستش خود نیافریده

ام.»

س ۲:- معنای عبادت یا پرستش چیست؟

ج :- عبادت اسم جامعی است که بر همه اقوال و اعمال

ظاهری و باطنی که خداوند به آن راضی و خوشنود می شود

اطلاق می گردد.

س ۳:- چگونه خداوند تعالی را عبادت کنیم؟

ج :- خداوند تعالی را باید مطابق اوامرش و اوامر پیامبرش

عبادت کنیم. پیامبر ﷺ می فرمایند: «آنکه عملی را انجام دهد

که شریعت ما آنرا تأیید نمی کند پس مردود است» صحیح مسلم.

س ۴:- عبادت با چه شروطی قبول می گردد؟

ج :- عبادت با دو شرط قبول می گردد: ۱:- اخلاص نیت در عبادت و دوری از ریا ۲:- موافقت آن با شریعت خداوند تعالی.

س ۵:- معنای اخلاص نیت چیست؟

ج :- معنای اخلاص نیت اینست که هدف مسلمان از گفتار و عمل چه ظاهری و یا باطنی رضامندی خداوند تعالی باشد چنانکه خداوند میفرماید:

﴿وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ﴾ البینة: ۵.

ترجمه: «و دستور داده نشده است به ایشان مگر آنکه مخلصانه و حقگرایانه خداوند را پرستند»

س ۶:- دینی که خداوند به پیروی آن امر کرده است کدام است؟

ج :- دینی که خداوند به پیروی آن امر کرده است اسلام

است. چنانکه خداوند میفرماید ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾

آل عمران: ۱۹.

ترجمه «در حقیقت دین ((معتبر و پسندیده)) نزد خداوند دین

اسلام است»

س ۷:- معنای اسلام چیست؟

ج :- اسلام یعنی تسلیم شدن به خداوند بی همتا و به اوامر و نواهی او گردن نهادن و دوری از شریک آوردن به الله است.

س ۸:- اسلام چند رکن (بنا) دارد؟

ج :- اسلام پنج رکن دارد که عبارت اند از:

۱:- گواهی دادن بر کلمه شهادت «لا اله الا الله محمد رسول الله»

۲:- نماز خواندن.

۳:- زکات دادن.

۴:- روزه گرفتن ماه رمضان.

۵:- حج کردن خانه خداوند «اگر توان آنرا داشته باشد»

س ۹:- دلیل ارکان اسلام چیست؟

ج :- دلیل آن حدیث جبرئیل است هنگامیکه از پیامبر ﷺ در

باره مسایل دین پرسید. «... جبرئیل گفت: ای محمد! مرا از

اسلام خبر ده. رسول الله ﷺ فرمود: «اسلام اینست که شهادت

دهی اینکه معبود بر حقی جز الله نیست و محمد فرستاده

خداست و نماز برپا داری و زکات بدهی و رمضان را روزه بگیری

و اگر توانایی داشتی به حج خانه خدا بروی...» صحیح مسلم

س ۱۰:- معنای لا اله الا الله چیست؟

ج :- یعنی هیچ معبودی بر حق جز الله تعالی نیست، پس چنانکه در پادشاهی الله تعالی کسی شریک نیست همانطور در عبادت نیز کسی باوی شریک نمیشد.

س ۱۱:- معنای محمد رسول الله چیست؟

ج :- معنای محمد رسول الله اینست که مسلمان به نبوت و رسالت او از اعماق قلب ایمان داشته باشد و درین گواهی قلب و زبانش باهم موافق باشد. و آنچه از اخبار گذشته و آینده را که آن حضرت ﷺ خبر داده است تصدیق نماید. اوامر وی را بر خود فرض بداند و از نواهی وی بپرهیزد. پیرو شریعت وی باشد و فیصله های او را باکمال رضائیت قبول کند. و بداند که طاعت پیامبر ﷺ طاعت خداوند تعالی است و نافرمانی او نافرمانی الله تعالی است زیرا آنحضرت ﷺ از جانب او تعالی بسوی بندگانش فرستاده شده است.

س ۱۲:- اگر شخصی یکی از ارکان پنجگانه اسلام را انکار کند، یا از بعضی این ارکان سرکشی کند، حکم چنین اشخاص از نظر شریعت چیست؟

جـ :- این چنین اشخاص از دیدگاه شریعت اسلامی کافر شمرده شده در صف مستکبرین مانند ابلیس و فرعون قرار گرفته است و مانند کفار و طاغوت ها باوی تعامل صورت می گیرد.

س ۱۳ :- مقام و منزلت نماز در اسلام را بیان نمائید.

جـ :- نماز مقام و منزلت بزرگی را در بین سایر عبادات دارا می باشد، نماز مرز فاصل بین اسلام و کفر است از اینجاست که در ادای آن تشویق و ترغیب زیادی صورت گرفته است، و ترک کننده آن در معرض خطر قرار دارد.

نماز عبادتی است که در تمامی ادیان آسمانی گذشته وجود داشته است زیرا در تربیت و اصلاح نفس نقش مهمی دارد.

پیامبر ﷺ می فرمایند: « اولین عملی که بنده در روز قیامت در مورد آن محاسبه می شود نماز اوست، اگر درست بود بدون شک کامیاب و رستگار گردید و اگر فاسد و نادرست شد همانا هلاک و زیانکار گردید. . . » سنن ترمذی.

س ۱۴ :- حکم ترک کننده نماز فرض چیست؟

جـ :- نماز ستون اسلام است و مرزی میان کفر و اسلام شمرده شده است، پیامبر ﷺ میفرمایند: « عهد و پیمانی که

میان ما و آنها (منافقین) است عبارت از نماز می باشد و کسیکه آن را ترک نمود به تحقیق کافر شده است» سنن ترمذی

چنانکه روایت شده است که اصحاب و یاران محمد ﷺ ترک هیچ عملی را بجز نماز کفر نمی شمردند. سنن ترمذی

علما در مورد سرنوشت ترک کننده نماز اختلاف نظر دارند، لیکن اکثریت آنان بر این عقیده اند که اگر شخصی بدون عذر شرعی و از روی تنبلی نماز را از وقت تعیین شده اش تأخیر کند مرتکب گناهی بزرگی شده است پس باید حاکم از او بخواهد که توبه کند و دوباره مرتکب این جرم بزرگ نشود، اگر توبه نکرد نظر به حکم قرآن کشته شود، خداوند میفرماید:

﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَحَلُّوا سَبِيلَهُمْ﴾ التوبة: ۵.

ترجمه: «پس اگر توبه کنند و برپا دارند نماز را و بدهند زکات را پس بگذارید راه ایشان را»

و اگر کسی نماز را از روی انکار ترک کند کافر بوده و مرتد گردیده و باید کشته شود.

س ۱۵:- آیا پدران و مادران مسؤولیت دارند تا فرزندان شان را به ادای نماز امر نمایند؟

ج :- بلی، والدین مسؤولیت بزرگی را درین مورد بدوش دارند و در نزد خداوند با آنان محاسبه خواهد شد، پیامبر ﷺ امتش را چنین توصیه می نمایند: « اولاد خود را در هفت سالگی به نماز امرنمائید و در ده سالگی آنها را بخاطر ترک نماز بزیند و خوابگاه شان را جدا کنید» سنن ابوداود.

پس بر اولیای امور اطفال لازم است تا کودکان را اعم از پسر و دختر در هفت سالگی به نماز امر نمایند، و در ده سالگی او را توصیه کنند، و در صورت لزوم بخاطر تأدیب او را بزیند، تا طفل به ادای نماز عادت بگیرد و در نتیجه وقتی بالغ می شود و نماز بر او فرض می گردد با سهولت و با رغبت و کمال میل خود به ادای نماز روی می آورد.

س ۱۶:- ثروتمندی از دادن زکات امتناع می ورزد حکم چنین اشخاص از نظر شریعت اسلامی چیست؟

ج :- اگر ثروتمندی از دادن زکات امتناع ورزید بر حاکم لازم است تا از راه زور و فشار زکات را از آنها بستاند و اگر نیروی جنگی داشتند باید با آنها بجنگد تا زکات را بدهند.

« از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که چون رسول الله ﷺ وفات یافتند و ابوبکر صدیق رضی الله عنه خلیفه بود عدۀ از مردم عرب به کفر گرویدند و از دادن زکات امتناع ورزیدند، ابوبکر صدیق رضی الله عنه فرمود: سوگند به خدا با کسی می‌جنگم که میان نماز و زکات فرق می‌گذارد زیرا زکات حق مال است» بخشی از حدیث متفق علیه.

س ۱۷:- کسانی که از دادن زکات امتناع می‌ورزند در روز آخرت چه سزائی دارند؟

ج :- پیامبر ﷺ می‌فرمایند: « هیچ صاحب طلا و نقره نیست که حق آن (زکاتش) را از آن تأدیه نکند، مگر اینکه در روز قیامت برایش تخته هائی از آتش ساخته شده و در آتش جهنم داغ گردیده پهلو و پیشانی و پشتش بدان داغ کرده می‌شود روزی که به اندازه پنجاه هزار سال است تا در میان بندگان حکم صورت گرفته و او راهش را بسوی بهشت یا دوزخ ببیند . . » صحیح مسلم.

به همین ترتیب صاحبان اموال تجارت و مواشی و زمیندارانی که از کشت و زرع زمینهای شان استفاده می‌کنند باید زکات و یا عشر آنرا پردازند.

س ۱۸:- شریعت اسلامی در مورد ترک کنندگان روزه چه حکم می کند؟

ج :- کسانی که در گرفتن روزه تنبلی می کنند و به بهانه های دروغین میخواهند از عملی کردن این فریضه خداوندی شانه خالی کنند، حاکم یا نایب او مسئولیت دارد چنین اشخاص را باز پرس کند و او را جزای سنگین بدهد تا عبرت و پند برای او و دیگران گردد.

س ۱۹:- لطفاً در باره فضیلت روزه گرفتن معلومات دهید؟

ج :- پیامبر ﷺ میفرمایند: «کسی که رمضان را از روی ایمان و اخلاص روزه گیرد گناهان گذشته اش آمرزیده میشود» متفق علیه همچنان ﷺ فرمودند: «خداوند عزوجل می فرماید: «هر عملی فرزند آدم چند برابر می شود، نیکی به ده برابرش تا هفتصد برابرش، الله تعالی فرمود: مگر روزه که همانا از برای من است و من بدان پاداش می دهم، شهوت و طعام خود را به دستور من می گزارد و برای روزه دار دو شادی است یک شادی در وقت افطارش و یک شادی در وقت ملاقات با پروردگارش و سوگند که بوی دهن روزه دار در نزد خداوند متعال از بوی مشک بهتر است» صحیح مسلم

س ۲۰:- منزلت حج در اسلام را بیان کنید؟

ج :- حج در تمام عمر مسلمان یکبار بروی فرض می‌گردد پس لازم است در ادای آن تأخیر و تنبلی نکند، خداوند میفرماید:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ

غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ ال عمران: ۹۷.

ترجمه: «و حق خداست بر مردم که خانه او را حج کنند هر که توانایی رفتن به سوی آنرا دارد - از جهت اسباب راه - و هر که کافر شود پس بی گمان خداوند از عالمیان بی نیاز است»

همچنان پیامبر ﷺ میفرماید: «کسی که حج کند و فحش گویی نکرده و فسق ننماید، مانند روزی که مادرش او را زائیده بود (بیگناه) باز می‌گردد» متفق علیه

س ۲۱:- کدام حج مورد پذیرش خداوند است؟

ج :- حج با شروط ذیل مورد قبول قرار می‌گردد:

۱:- مالیکه با آن حج میکند باید حلال و پاک باشد.

۲:- خاص بخاطر رضای خداوند و دور از هر گونه ریا، شهرت و نیکنامی باشد.

۳:- گفتار و کردار بد را کنار گذاشته، از خصومات و مجادله با مسلمانان و اذیت آنها اجتناب ورزد و بسوی زنان نگاه نکند.

۴:- از اعمال و سخنان بد گذشته توبه کند و حقوق مردم را دوباره به آنها بسپارد و با کسانی که خصومت و دشمنی داشت معذرت خواسته آنان را راضی بسازد.



قسمت دوم

مسائل متعلق به ارکان ایمان

از سوال {۲۲} الی {۵۷}

س ۲۲:- ایمان چیست؟

ج:- ایمان عبارت است از اقرار بزبان، تصدیق با قلب و عمل نمودن با اعضاء.

س ۲۳:- ایمان چند رکن دارد؟

ج:- ایمان شش رکن دارد که عبارت اند از: ۱- ایمان بخداوند ۲:- ایمان به فرشتگان ۳:- ایمان به کتابهای آسمانی ۴:- ایمان به پیامبران ۵:- ایمان بروز آخرت ۶:- ایمان به قدر (تقدیر).

س ۲۴:- دلیل ارکان ایمان را از قرآن کریم و حدیث شریف بیان کنید.

ج:- دلیل ارکان ایمان از قرآنکریم فرموده خداوند تعالی است:

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ﴾. البقرة: ۱۷۷.

ترجمه: «نیست نیکو کاری آنکه متوجه کنید روی خود را بطرف مشرق و مغرب و لیکن نیکوکاری آنست که بخدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورد»

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ القمر: ۴۹.

ترجمه: «هر آئینه ما هر چیز را به اندازه لازم و از روی حساب و نظام آفریده ایم»

دلیل ارکان ایمان از حدیث، فرموده آنحضرت ﷺ به جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام است «... جبرئیل گفت: پس مرا از ایمان خبر ده. فرمودند: اینکه ایمان بیاوری به خدا و فرشتگان و کتابها و پیامبران و روز آخرت، و ایمان بیاوری به قدر خیرش و شرش ...» صحیح مسلم

س ۲۵:- چگونه به خداوند تعالی ایمان داشته باشیم؟

ج :- ایمان به خداوند اینست که بنده از صمیم قلب به وجود الله تعالی باور داشته باشد و بداند که او ذاتی است واحد و یکتا و بی همتا. هیچ چیزی بر او سبقت نکرده و بعد از فنا و نابودی جهان و کائنات غیر از او چیزی باقی نمی ماند، خداوند بر همه چیز غالب است و هیچ چیزی بر او غالب نیست، همه چیزهای پنهان به او آشکار است و اوست زنده و همیشه، بی نیاز و بی مانند.

خداوند در الوهیت و ربوبیت و اسماء و صفات خود واحد و بی مثال است.

س ۲۶:- توحید الوهیت چیست؟

ج :- یگانه پنداشتن خداوند در پرستش را توحید الوهیت گویند یعنی عبادت با همه انواع آن خاص به الله تعالی است چنانکه خداوند می فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾ الإسراء: ۲۳.

ترجمه : « پروردگار تو حکم کرد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید»

س ۲۷:- توحید ربوبیت چیست؟

ج :- یگانه دانستن خداوند در آفرینش کائنات را توحید ربوبیت گویند یعنی خداوند پروردگار، آفریدگار، و مدبر همه چیز است، همه چیز بدست و تصرف اوست، و به کمک دیگران ضرورت ندارد، خداوند می فرماید:

﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ

يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِّنَ الدُّنْيَا وَكِبْرَةٌ كَبِيرًا﴾ الإسراء: ۱۱۱.

ترجمه: «بگو: حمد و سپاس خداوندی راست که برای خود هیچ فرزندی برنگزیده است و در فرمانروائی (جهان) شریکی انتخاب

نموده است و یاوری بخاطر ناتوانی نداشته است، بنا بر این او را به تعظیم یاد کن»

س ۲۸:- معنای توحید اسماء و صفات چیست؟

ج :- توحید اسماء و صفات اینست که مسلمان اعتقاد کامل و راسخ داشته باشد اینکه خداوند تعالی متصف به تمام صفات کمال بوده از همه نواقص و عیوب پاک و منزّه است و باید به تمام اسما و صفات خداوند تعالی طوریکه لایق و شایسته شأن اوست ایمان بیاورد ، طوریکه خداوند در قرآن مجید و پیامبر ﷺ در احادیث نبوی وصف نموده اند. مسلمان باید بدون اینکه از کیفیت و چگونگی آن سوال کند به آن اوصاف ایمان بیاورد و در مورد اثبات این اسماء و صفات به هیچ نوع زیادت و یا نقص و یا تشبیه و یا تمثیل و یا انکار قایل نباشد خداوند می فرماید:

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ الشوری: ۱۱.

ترجمه «هیچ چیزی همانند خدا نیست و او شنوا و بینا است»

چنانکه می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ الأعراف: ۱۸.

ترجمه: «خداوند دارای زیباترین نامها است پس او را به آن نامها بخوانید» پیامبر ﷺ می فرماید: «خداوند دارای ۹۹ اسم بوده، هر که آن را یاد کند داخل بهشت می شود» متفق علیه.

س ۲۹:- معنای ایمان داشتن به فرشتگان (ملائکه) چیست؟

ج :- معنای ایمان داشتن به فرشتگان اینست که مسلمان به وجود آنها اعتراف داشته اعمال و وظائف مربوط به آنها را که در دنیا و آخرت بدوش دارند و انجام میدهند تصدیق کند.

س ۳۰:- چرا خداوند فرشتگان را آفریده است؟

ج :- خداوند فرشتگان را برای عبادت خودش و انجام اوامرش در کائنات آفریده است.

س ۳۱:- فرشتگان چه صفاتی دارند و از چه آفریده شده اند؟

ج :- فرشتگان در عالم غیب و پنهان مشغول طاعت و عبادت خداوند هستند و انسان آنها را به چشم مشاهده نمیتواند و هیچ کس غیر از خداوند تعداد و چگونگی آنها را نمی داند. خداوند آنها را از نور آفریده است و میتوانند به اشکال مختلف خود را ظاهر سازند، فرشتگان دارای بالهای هستند، بعضی از آنها دو بال و یا سه بال یا چهار بال و یا بالهای بیشتری دارند مانند جبرئیل که ششصد بال دارد چنانکه رسول الله ﷺ وی را دید که هر بالش افق را پوشانیده بود.

س ۳۲:- وظائف و مسؤولیتهای که فرشتگان به انجام آن مکلف اند چیست؟

ج :- فرشتگان مخلوقات مطیع و فرمانبرداری اند که هیچ گاه از طاعت و عبادت خداوند خسته نشده و سر باز نمی زنند، و به وظائفی که مأمور اند هیچ تأخیر نمیکنند فرشتگان وظائف و اعمال معین را بدوش دارند که بطور مختصر آنرا بیان می کنیم.

۱:- جبرئیل، مأمور به فرود آوردن وحی از جانب خداوند به پیامبران خدا است.

۲:- میکائیل، مأمور به فرود آوردن باران است.

۳:- اسرافیل: موظف به دمیدن صور (بوق) است هنگامیکه خداوند بخواهد مردم را از قبرهای شان بیرون آورد.

۴:- فرشتگانی است که موظف به قبض جانها اند مانند ملک الموت و همکاران او.

۵:- بعضی آنها اعمال بندگان را می نویسند (کراماً کاتبین) یکی در پهلوی راست حسنات را می نویسد و دیگری در پهلوی چپ بدیهای انسان را می نویسد، آنها در هر جایی با انسان همنشین هستند و او را ترک نمیکنند.

۶:- بعضی از آنها مسؤولیت نگهداری و حفاظت انسان را بدوش دارند.

- ۷:- فرشتگانی اند که مسؤولیت بهشت و نعمت های آن را دارند.
- ۸:- بعضی از فرشتگان موظفین دوزخ و عذاب آن هستند مانند مالک و همراهانش.
- ۹:- فرشتگانی است که مأمور به پرسیدن مردگان در قبر اند، (منکر و نکیر)
- ۱۰:- بعضی از آنها عرش خداوند را حمل می کند.
- ۱۱:- فرشتگانی اند که مسؤولیت القای نطفه در رحم و مراحل خلقت انسان در رحم مادر را بدوش دارند.
- ۱۲:- بعضی آنها مقربین در بار خداوند تعالی اند.
- ۱۳:- فرشتگانی هستند که همیشه در رکوع و سجود مشغول عبادت خداوند اند و هیچگاه سر خود را بلند نمی کنند.
- ۱۴:- فرشتگانی اند که همیشه در جستجوی مجالس ذکر می باشند. خلاصه اینکه هر رویداد و واقعه که در این کائنات پدید می آید همه را خداوند توسط فرشتگانش به اجرا در می آورد.
- س ۳۳:- ایمان داشتن به فرشتگان چه تأثیری در زندگی مسلمان دارد؟

ج :- ایمان به فرشتگان تأثیر بس بزرگی در زندگی مسلمان دارد وقتی مسلمان درک کرد که وی مراقبت می شود و در هر زمان و مکان چیزی دنبالش است و حرکات و سکناش را ثبت

می‌کند، بلا فاصله احتیاط نموده مواظب گفتار و کردار خود خواهد بود، تا در موردش چیزی نوشته نشود.

س ۳۴:- مسلمان چگونه به کتابهای آسمانی ایمان داشته باشد؟
ج:- مسلمان باید یقین کامل داشته باشد که همه کتابها از جانب الله تعالی فرود آمده است، بعضی را خداوند توسط جبرئیل به پیامبرانش فرستاده است یا اینکه از پشت پرده بدون واسطه با پیامبرش سخن گفته است و بعضی از آنها را خداوند جل جلاله قسم نوشته شده به پیامبرانش فرستاده است.

س ۳۵:- نام کتابهای آسمانی چیست و بر کدام انبیاء نازل گردیده است؟

ج:- کتابهای که باید به آن ایمان داشته باشیم اینها است:

۱:- قرآن کریم بر حضرت محمد ﷺ نازل گردیده.

۲:- تورات بر موسی علیه السلام نازل گردید.

۳:- انجیل بر عیسی علیه السلام نازل گردید.

۴:- زبور بر داود علیه السلام نازل گردید.

۵:- صحف ابراهیم و موسی علیهما السلام.

علاوه بر این کتابهای دیگری بر سایر پیامبران نازل گردیده است که در قرآن از آنها نام برده نشده است.

س ۳۶:- آیا کتاب های انجیل و تورات که امروز در دسترس یهود و نصاری قرار دارد، همانطور است که نازل گردیده بود؟
ج:- نه، کتابهای تورات و انجیل امروزی همه تحریف شده است، زیرا علمای آنها این کتابها را مطابق هوی و هوس خویش تغییر داده اند.

س ۳۷:- ایمان داشتن به پیامبران علیهم السلام چه معنی دارد؟
ج:- ایمان داشتن به پیامبران اینست که مسلمان باید یقین کامل داشته باشد که خداوند متعال به هر قومی از میان خود شان پیامبری را بر گزیده است تا آنها را بسوی عبادت خداوند بی همتا و ترک شرک و بت پرستی دعوت کند. پیامبران خداوند دارای اوصاف نیک مانند، راستی، امانت داری، نیکو کاری، عزت، وقار، عفت، تقوی، و خیر خواهی مردم بودند.

س ۳۸:- آیا پیامبران علیهم السلام بر یکدیگر امتیاز و فضیلتی دارند؟

ج:- بلی، بعضی پیامبران بر بعضی دیگر امتیاز دارند خداوند میفرماید:

﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْ كَلِمِ اللَّهِ وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ

ترجمه: «این پیغمبران بعضی از ایشان را بر بعضی دیگر برتری دادیم. خداوند با برخی از آنها سخن گفت، و بعضی را درجاتی برتر داد»

مثلاً: خداوند متعال ابراهیم و محمد علیهما السلام را بدوستی خود برگزیده و با موسی علیه السلام سخن گفت و به ادريس علیه السلام مقام بلند بخشید و عیسی علیه السلام را بدون پدر و با ذریعه کلمه ((کن)) در مریم القاء کرد سپس او را بسوی خود بالا برد.

س ۳۹:- آیا پیامبر گرامی ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله فضیلت و امتیازی بر سایر پیامبران پیشین دارد؟

ج:- بلی، پیامبر گرامی ما فضایل و خصوصیات و امتیازاتی بر سایر پیامبران دارد که آنرا ذکر مینمایم.

۱:- پیامبر ما صلی الله علیه و آله سردار و بهترین اولاد آدم است چنانکه صلی الله علیه و آله می فرمایند: «من سردار فرزندان آدم هستم و به آن فخر نمی کنم» سنن ترمذی و ابن ماجه و مسند احمد.

۲:- پیامبر ما به سوی جن و انس فرستاده شده است.

۳:- پیامبر ما آخرین پیامبر است و به همه جهانیان تا روز قیامت فرستاده شده است.

۴:- هیچ انسانی بدون ایمان آوردن به محمد ﷺ به بهشت داخل نخواهد شد چنانکه علیه الصلاة والسلام فرموده اند: «قسم بذاتیکه جان من بدست اوست، هیچ فردی از مردم چه یهودی باشد یا نصرانی، دعوت من بگوش او برسد سپس بمیرد در حالیکه به من و به آنچه فرستاده شده ام ایمان نیاورد، از جمله دوزخیان خواهد بود» صحیح مسلم و مسند احمد.

۵:- حضرت پیامبر ﷺ بعضی امتیازات خود را بر سایر پیامبران چنین بیان می کند: «پنج چیز به من داده شده که قبل از من به کسی داده نشده است:

۱:- به مسافه یکماه راه، دشمن از من می ترسد.

۲:- تمام زمین برایم سجده گاه گردانیده شده است بناءً هر فردی از امتم در هر جائی که وقت نمازش شود پس در همانجا نماز خود را ادا نماید.

۳:- مال غنیمت برایم حلال گردانیده شده، در حالیکه قبل از من برای کسی حلال نبود.

۴:- به من اجازه شفاعت داده می شود.

۵:- قبل از من هر پیامبری تنها بسوی قومش فرستاده می شد لکن من بسوی همه بشریت فرستاده شده ام» متفق علیه.

س ۴۰:- اگر شخصی به بعضی از پیامبران ایمان داشته و به بعضی دیگر ایمان نداشته باشد، و یا اینکه به یکی از پیامبران سخن بدی را نسبت دهد این شخص از نظر شریعت اسلام چیست؟

ج :- ایمان به پیامبران رکنی از ارکان ایمان بشمار میرود، اگر مسلمانی ایمان به همه پیامبران علیهم السلام نداشته باشد، مسلمان محسوب نمیشود و اگر به یکی از پیامبران کافر شود و یا سخن بد یا زشتی را به آنها نسبت دهد از دایره اسلام خارج گردیده و مرتد می گردد، کسی که به یک پیامبر کافر گردد چنانکه به همه آنها کافر گردیده باشد.

س ۴۱:- چرا خداوند پیامبران را فرستاده است؟

ج :- خداوند پیامبران را فرستاده است تا مردم را به عبادت خود و ترک شریک آوردن به او امر و دعوت نمایند. خداوند می فرماید :

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾

النحل: ۳۶.

ترجمه: « ما در هر گروه و ملتی پیغمبری را فرستادیم که خدا را پرستید و از طاغوت دوری کنید»

س ۴۲:- آخرین پیامبران کیست؟

ج:- آخرین پیامبران محمد ﷺ است، بعد از وی هر کسی دعوی پیامبری را کند دروغگو و دجال است، پیامبر ﷺ میفرماید: «زود است بعد از من سی نفر دروغگو پیدا شود، همه آنها دعوی پیامبری را خواهد کرد، من آخرین پیامبران هستم و بعد از من دیگر پیامبری نیست» سنن ترمذی و مسند احمد

س ۴۳:- ایمان داشتن به روز آخرت چه معنی دارد؟

ج:- ایمان به روز آخرت اینست که مسلمان یقین کامل به آمدن آن روز داشته باشد، و بخاطر نجات در آن روز، آماده و بیدار بوده در دنیا عمل نیک کند.

همچنان مسلمان باید به علامات و نشانه های روز آخرت که قبل از برپا شدن قیامت به وقوع می پیوندد ایمان داشته باشد. در ضمن ایمان به روز آخرت امور ذیل نیز شامل آن می گردد: ایمان به مرگ و امتحان در قبر، عذاب و نعمت در قبر، بیرون آمدن از قبرها بعد از نفخ در صور توسط اسرافیل، مواقف روز قیامت و حالات هولناک آن روز، باز کردن نامه های اعمال، ترازوی اعمال، پل صراط، و حوض کوثر و شفاعت، جنت و نعمت های آن، دوزخ و عذاب و شکنجه های آن، دیدار خداوند

در جنت و محروم شدن اهل دوزخ ازین نعمت بزرگ، جاویدان بودن اهل جنت در جنت و اهل دوزخ در دوزخ.

س ۴۴:- آیا به وقوع پیوستن قیامت را کسی میداند؟

ج :- نه، آمدن قیامت را جز خداوند کسی دیگر نمیداند، نه ملائکه و نه جن و نه انسان.

س ۴۵:- علامات و نشانه های که قبل از روز قیامت آشکار می گردد کدام ها اند؟

ج :- علامات روز قیامت به دو دسته تقسیم می گردد:

۱- علامات خورد ۲- علامات بزرگ

۱:- علامات خورد (صغری) که اکثر آن واقع شده است ما عمده ترین آنرا بطور مختصر ذکر می کنیم:

۱:- بعثت و وفات پیامبر گرامی ما ﷺ .

۲:- فتح بیت المقدس.

۳:- زیادی مال و ثروت.

۴:- ظهور فتنه ها از جانب مشرق زمین.

۵:- شهادت عثمان رضی الله عنه.

۶:- جنگ های جمل و صفین.

۷:- ظهور خوارج.

۸:- پیروی از امت گذشته « یهود و نصاری ».

- ۹:- ظهور مدعیان نبوت.
- ۱۰:- آسایش در زندگی.
- ۱۱:- بیرون آمدن آتش از سر زمین حجاز.
- ۱۲:- خیانت در امانت.
- ۱۳:- زنا کاری و سود خواری.
- ۱۴:- زیاد شدن پولیس و همکاران ظالمان.
- ۱۵:- ظهور جهل و نادانی و قلت علماء.
- ۱۶:- شنیدن ساز و سرود و شراب خواری.
- ۱۷:- مزین ساختن مساجد و افتخار به آن.
- ۱۸:- بنا نمودن خانه های بلند.
- ۱۹:- قتل و کشته شدن بی مورد.
- ۲۰:- نزدیکی سال و ماه و هفته.
- ۲۱:- نزدیکی بازارها.
- ۲۲:- ظهور شرک در امت محمد ﷺ.
- ۲۳:- ظهور فواحش و قطع صله رحمی و بدی با همسایگان.
- ۲۴:- مردان و زنان پیر، خویش را جوان جلوه دادن.
- ۲۵:- زلزله های پی در پی.
- ۲۶:- پاره شدن زمین.
- ۲۷:- مسخ شدن بعضی انسانها.

- ۲۸:- رفتن مردم نیک.
- ۲۹:- ظهور زنان برهنه.
- ۳۰:- صدق نمودن خواب های مؤمنان.
- ۳۱:- بی پروائی و بی رغبتی در امور دین.
- ۳۲:- دروغگویی و شاهی دادن به ناحق.
- ۳۳:- مرگ های بی سبب و ناگهانی.
- ۳۴:- زیاد شدن زنان و کم شدن مردان.
- ۳۵:- ذلت و خواری و ضعف مسلمانان.
- ۳۶:- جنگ با یهود.
- ۳۷:- مدینه مردمان بد را نفی می کند.
- ۳۸:- وزیدن بادیکه روح مؤمنان را به آسانی قبض می کند.
- ۳۹:- ویران شدن خانه خدا.
- ۲:- علامات بزرگ (کبری) که هنوز بوقوع نپیوسته است ما بطور مختصر آنرا ذکر می کنیم:**
- ۱:- ظاهر شدن مهدی علیه السلام
- ۲:- ظهور دجال.
- ۳:- نزول عیسی علیه السلام به زمین.
- ۴:- خروج یاجوج و ماجوج.

۵:- چاک شدن زمین در سه جهت، در شرق و غرب و جزیرهٔ عرب.

۶:- آشکار شدن دود بزرگ.

۷:- طلوع آفتاب از مغرب.

۸:- خارج شدن دابه (حیوان) از زمین که بر جبین ها مهر کفر و ایمان را می زند.

۹:- ظهور آتش از یمن که مردم را بسوی سرزمین شام سوق می دهد.

س ۴۶:- روز قیامت چه مراحلی دارد و از کجا آغاز می گردد؟

ج :- مرگ اولین مرحله و نقطهٔ آغاز روز قیامت میباشد چنانکه آنحضرت ﷺ فرموده اند: «هر شخصی که میمیرد قیامت وی برپا شده است» سنن ترمذی.

دومین مرحلهٔ قیامت همانا گذاشتن مرده در قبر است، هنگامیکه انسان در بستر خاک آرام گرفت و تشییع کنندگان باز گشتند، صدای پاهای آنان را می شنود، سپس دو فرشتهٔ خوفناک او را نشستاده سه سوال از وی می کنند:

۱:- پروردگار تو کیست؟ ۲:- دین تو چیست؟ ۳:- پیامبرت کیست؟

اگر شخص مؤمن باشد خداوند او را ثابت قدم میدارد و جواب صحیح به وی الهام می کند، و اگر کافر و بدکار بود، به هیچ وجه نمیتواند جواب فرشتگان را بدهد، اگر چه در دنیا آنرا می دانست. شخص مؤمن در قبرش خوشبخت شده جای خویش را در بهشت مشاهده میکند، و قبرش گشاده شده خوش بویی بهشت به مشامش میرسد.

اما شخص کافر و بد عمل بد بخت شده جایگاه خود را در دوزخ مشاهده میکند، قبر نیز بر او فشار آورده تا اینکه استخوانهایش درهم می پیچد و قبرش به گودالی از گودالهای آتش مبدل میگردد و از بدبویی ها و گرمی دوزخ به وی میرسد.

پس بدان که قبرباغی از باغهای بهشت، یا گودالی از گودال های دوزخ است.

سومین مرحله قیامت آنست، هنگامیکه اسرافیل بوق را بصدای آورده تمام موجودات زنده بیهوش شده میمیرند، سپس این زمین به زمین دیگر تبدیل شده آسمانها تکه و پاره میشود، آفتاب، مهتاب، و ستارگان به هم ریخته نظام کائنات از بین می رود، خداوند این روز وحشتناک را چنین توصیف می فرماید:

﴿فَإِذَا تُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿۱۳﴾ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ﴿۱۴﴾ فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿۱۵﴾ وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ﴿۱۶﴾﴾ الحاقة: ۱۳-۱۶.

ترجمه: «هنگامیکه یک دم در صور دمیده شود و زمین و کوهها از جا برداشته شود و یکباره درهم کوبیده و متلاشی گردند پس آن روز واقعه بزرگ رخ میدهد و آسمان از هم می شگافد و در آن روز سست و نا استوار میگردد».

برای بار دوم اسرافیل در بوق دمیده همه مردم از قبرها بر خاسته زنده میشوند، خداوند می فرماید: ﴿تَمَّ نَفْحَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾. الزمر: ۶۸.

ترجمه: «سپس بار دیگر در آن دمیده میشود، بناگاه همگی بپا میخیزند و می نگرند».

در این هنگام مردم سراسیمه، برهنه، و ختنه ناشده (مانند روزیکه از مادر بدنیا آمده اند) از قبرهای شان بر میخیزند، و از شدت و سختی آنروز هیچ کسی به دیگری نگاه نمیکند، در آن روز انسان از برادر، پدر، مادر، زن و فرزندانش می گریزد، چون

هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می‌سازد.

آفتاب با آن شدت حرارتش به آنها نزدیک شده از تمامی بدن آنها عرق سرازیر میشود، هر که بقدر اعمالش در عرق می‌باشد، کسانی هستند که عرق تا بجلک پایش رسیده، کسانی تا زانو، کسانی تا کمر، و کسانی تا دهانشان در عرق غرق هستند.

یکی از مراحل قیامت حساب و محاسبه است، بعد از اینکه مدت طولانی را در ترس و وحشت به سر بردند پیامبر گرامی محمد ﷺ برای پایان یافتن این وضع هولناک شفاعت میکند سپس خداوند برای محاسبه دستور میدهد، خداوند میفرماید:

﴿وَقَفَّوهُمْ أَتَاهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ الصّافات: ۲۴.

ترجمه: «آنان را نگاه دارید که باید باز پرسى شوند»

چنانکه میفرماید: ﴿يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ

مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿۶﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿۷﴾ الزلزلة: ۶-۸.

ترجمه: «در آن روز، مردمان دسته دسته و پراکنده بیرون می‌آیند تا اعمال شان به آنان نشان داده شود پس هر کس به اندازه ذره

کار نیکو کرده باشد آن را می بیند و هر کس به اندازه ذره کار بد کرده باشد آنرا خواهد دید».

یکی از مراحل قیامت تقسیم نامه های اعمال است، مؤمن نامه اعمال خود را بادست راست و کافر و بد عمل با دست چپ تسلیم میشود، خداوند جَلَّالٌ چنین میفرماید:

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ يَمِينَهُ فَيَقُولُ هَاؤُمُ اقْرَؤْا كِتَابِيَةَ﴾ الحاقه: ۱۹.

ترجمه: «و اما هر کسیکه نامه اعمالش به دست راست او داده شود میگوید نامه اعمال مرا بگیرد و بخوانید»

﴿وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيَةَ﴾ الحاقه: ۲۵.

ترجمه: «و اما کسیکه نامه اعمالش به دست چپش داده شود، میگوید: ای کاش هرگز نامه اعمالم به من داده نمیشد!».

یکی از مراحل قیامت گذاشتن ترازو برای وزن اعمال بندگان است خداوند میفرماید: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ

نَفْسٌ شَيْئًا﴾ الأنبياء: ۴۷.

ترجمه: «و ما ترازوی عدل را در روز قیامت خواهیم نهاد، و اصلاً به هیچ کسی کمترین ستمی نمیشود».

س ۴۷:- پل صراط چیست؟

ج :- بعد از تمام شدن حساب و تسلیم شدن عمل نامه ها، پلی بر روی جهنم نهاده شده (پل صراط) که از مو باریک و از شمشیر تیز تر است، سپس مردمان از آن عبور می کنند.

پیامبر ﷺ در مورد پل صراط چنین می فرمایند: «روز قیامت پلی آورده شده بر روی جهنم نصب میگردد، آن پل جای لغزیدن و افتیدن است که در اطرافش چنگگ های آهنین تیز و نوکدار و پهن نصب است، مؤمنان از بالای آن با این کیفیت عبور می کنند: بعضی ها مانند برق و باد به سرعت از آن می گذرند، بعضی ها مانند اسب سواران و شتر سواران از آن عبور می کنند. عبور کنندگان سه گروه اند: کسانی اند که سالم و بدون خطر از آن می گذرند، کسانی دیگر اند که در وقت عبور، زخم و جراحت می یابند، گروه دیگر کسانی اند که هنگام عبور از پل در جهنم می افتند، آخرین مردمانی که نصیب شان نجات است، کشان کشان از پل می گذرند، ابو سعید خدری رضی الله عنه راوی حدیث می گوید، به من خبر رسیده است که پل صراط باریکتر از مو و تیز تر از شمشیر است» بخشی از حدیث متفق علیه.

س ۴۸:- در مورد حوض کوثر معلومات دهید.

ج :- حوض کوثر یکی از نعمت های بزرگی خداوند است که در آخرت به آنحضرت ﷺ عطاء میگردد، سپس امت پیامبر ما ﷺ در آن وارد میشوند، پیاله های آن به اندازه تعداد ستارگان آسمان است، آنحضرت ﷺ با دست شریفش به امتیانش جامی از آب این حوض میدهند و هر که از آن بنوشد هرگز تشنه نمیشود، آب آن سفید تر از شیر و از عسل لذیذ تر است، لکن کسانی هستند که از این نعمت بزرگ محروم میشوند، پیامبر ﷺ فرمودند: کسانی از میان وارد شدگان بیرون کرده میشوند، من میگویم او از امت من است! به من گفته میشود، تو آگاهی نداری که این شخص بعد از تو چه بدعتی را انجام داده است» برگرفته از حدیث انس نزد ترمذی.

س ۴۹:- چگونه به جنت و دوزخ ایمان داشته باشیم؟

ج :- مسلمان باید یقین کامل داشته باشد که جنت و دوزخ فعلاً موجود است، و باور داشته باشد که جنت با نعمت های فراوان و بی پایانش و دوزخ با عذاب و شکنجه های درد ناکش همیشه و جاویدان اند و هرگز فنا نمیشوند.

پیامبر ﷺ در نماز های نیمه شب با خداوند اینچنین راز و نیاز میکردند: «خداوند! تراست ثنا و ستایش، تو حقی و وعده تو حق

است، دیدار تو حق است و گفته تو حق است، جنت و دوزخ تو حق است و پیامبران به شمول محمد ﷺ حق اند و روز رستاخیز حق است». متفق علیه

س ۵۰:- آیا اهل بهشت پروردگار شان را می بینند؟

ج- آری! چنانکه خداوند فرموده است: ﴿لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ﴾ یونس: ۲۶.

ترجمه: «کسانی که کارهای نیکو انجام دادند - بهشت - از ایشان است و افزون (نگاه به خداوند)».

س ۵۱:- لطفاً در باره شفاعت معلومات دهید.

ج- شفاعت از جمله امور اعتقادی مسلمانان بشمار می رود، خداوند متعال در آیات زیاد شفاعت را با قیود و شرایط سخت و سنگین ثابت نموده آنرا ملک خود و در اختیار خود قرار داده است، چنانکه میفرماید: ﴿يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾ طه: ۱۰۹.

ترجمه: «در آن روز شفاعت - هیچکسی سودی نمی بخشد، مگر کسی که خداوند مهربان به او اجازه دهد و گفتارش را پسندد».

شفاعت تنها از بندگان صالح و نیک الله جَلَّ جَلَالُهُ پذیرفته می شود، بندگان نیک و صالح او کسانی اند که الله تعالی از آنها راضی و خوشنود باشد.

س ۵۲:- شفاعت چند نوع است؟

ج :- شفاعت انواع دارد که آنرا مختصراً بیان می کنیم:

شفاعت عظمی که مخصوص پیامبر ما محمد ﷺ است هنگامیکه از خداوند میخواهد تا قضا و محاسبه در میان بندگان را آغاز نماید.

شفاعت بخاطر کشودن دروازه جنت که این هم مخصوص پیامبر گرامی ما محمد ﷺ است و اولین امتیکه داخل بهشت می شود امت اوست.

شفاعت در مورد کسانی که مسیر شان به دوزخ تعیین شده است. شفاعت در باره یکتا پرستانی که وارد دوزخ شده اند لیکن توسط شفاعت از دوزخ بیرون آورده میشوند.

شفاعت بخاطر بلند شدن مرتبه و منزلت جنتیان.

شفاعت بخاطر کم کردن عذاب از بعضی کافران که این شفاعت خاص به پیامبر ﷺ است، آنحضرت ﷺ در باره کاکای شان ابو طالب شفاعت می نمایند تا عذاب از وی کاسته شود و پذیرفته میشود.

س ۵۳:- آیا زندگی دوزخیان و بهشتیان جاودانه و دایمی است؟
 ج :- بلی! بهشتیان و دوزخیان با جسد و روح شان بطور جاویدان و ابدی زندگی نموده مرگ وجود ندارد چنانکه در حدیث شریف آمده است: «روز قیامت مرگ بشکل قُچی آورده شده سپس فرشتگان بهشتیان را صدا می زنند، همه نگاه میکنند، به آنها گفته میشود این را می شناسید؟

همه می گویند: بلی، مرگ است، همچنین فرشتگان اهل دوزخ را صدا می زنند آنها نیز نگاه میکنند، بعد از آن مرگ را ذبح میکنند، سپس به بهشتیان گفته میشود این زندگی جاودانه است و مرگی نیست، در نتیجه آنها خیلی خوشحال میشوند، و به دوزخیان گفته میشود این زندگی جاودانه است و مرگی نیست، در نتیجه به غم و اندوه و ناراحتی آنها افزوده میگردد» صحیح بخاری

س ۵۴:- اگر کسی از زنده شدن بعد از مرگ انکار کند چه حکم دارد؟

ج :- اگر کسی از زنده شدن بعد از مرگ انکار کند کافر است و جایگاهش دوزخ خواهد شد، خداوند درین مورد از زبان کافران حکایت می کند:

﴿زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَشَاعِرٌ ثُمَّ لَتَنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ التغابن: ۷.

ترجمه: « کافران می پندارند که هرگز زنده و برانگیخته نخواهند گردید! بگو: چنین نیست که می پندارید، به پروردگارم سوگند! زنده و برانگیخته خواهید شد و سپس از آن چیزهای که میکرده اید با خبرتان خواهند کرد، و این کار برای خداوند ساده و آسان است»

س ۵۵:- ایمان به قدر «تقدیر» چیست؟

ج :- ایمان به قدر یکی از اصول و ارکان ایمان بشمار می رود، مسلمان باید یقین کامل داشته باشد که تقدیر خیر و شر از جانب خداوند است و اگر مصیبتی بر او برسد، آنرا متحمل شود و ابراز رضایت نماید و به اراده خداوندی تن در دهد و بداند که مصیبت و آسیب از روی تصادف نبوده بلکه قبلاً فیصله شده است، هیچ چیزی در کائنات خارج تقدیر نبوده در لوح محفوظ نوشته شده است، اعمال بندگان خیر یا شر به اراده خداوند صورت می گیرد، با آن هم خداوند آنان را اختیار و اراده داده است و در هیچ عملی آنان را مجبور نساخته است لذا خداوند

بندگان خود را امر و نهی نموده است و راه خیر و شر را به آنان واضح و بیان کرده است.

س ۵۶:- لطفاً در مورد تقدیر معلومات بیشتر بدهید؟

ج :- ایمان به قدر مشتمل بر چهار مرتبه است:

اول:- مؤمن باید باور و یقین داشته باشد که علم خداوند بر همه چیز احاطه کرده است و هیچ چیزی در این عالم از دایره علم او بیرون نیست، خداوند قبل از آفریدن کائنات بر همه آنها علم و آگاهی داشت، اعمال، کردار، روزی، اجل، و حرکات آنها، اهل جنت و دوزخ به او معلوم بود.

خداوند می فرماید: ﴿وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ الطلاق: ۱۲.

ترجمه: « و آگاهی او همه چیز را فرا گرفته است»

دوم:- مؤمن باید اعتقاد جازم داشته باشد که خداوند قبل از آفریدن خلایق و کائنات، همه چیز را نوشته بود، چنانکه پیامبر ﷺ می فرماید: « خداوند متعال پنجاه هزار سال قبل از پیدایش آسمانها و زمین، تقدیر مخلوقات را نوشته بود، = قبل از آن = عرشش بر بالای آب بود» صحیح مسلم و مسند احمد.

سوم:- مؤمن ایمان داشته باشد که اراده و خواست خداوند نافذ و قدرت او بر همه چیز است، همه حوادث و وقایع به اراده و قدرت

او واقع شده و می شود، آنچرا خداوند بخواهد پدید می آید و آن چیزی را که نخواهد پدید نمی آید، خداوند میفرماید:

﴿وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ ابراهیم: ۲۷.

ترجمه: «و خداوند هر چه بخواهد انجام میدهد» همچنان

میفرماید: ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾ الإنسان: ۳۰.

ترجمه: «شما نمیتوانید بخواهید مگر اینکه خدا بخواهد».

چهارم: - مؤمن باید ایمان داشته باشد که الله عَلَّامُ الْغُيُوبِ آفریدگار همه چیز است، همه چیز خورد و بزرگ را آفریده است و بر همه چیز قادر

است، چنانکه خداوند میفرماید: ﴿قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ الرعد: ۱۶.

ترجمه: «بگو: خدا آفریننده همه چیزها است»

س ۵۷: - شخصی می گوید: من بر آنچه که در مورد در ازل و لوح محفوظ نوشته شده است اعتماد و اکتفاء نموده عملی انجام نمیدهم، جوابش درین مورد چیست؟

ج: - هر مسلمان مکلف است به انجام اعمال نیک مبادرت

برزیده و از اعمال بد بپرهیزد، حدیث ذیل جواب قناعت بخشی برای چنین اشخاص است.

از علی رضی الله عنه روایت شده که گفت: ما در جنازه در بقیع

حضور داشتیم و رسول الله ﷺ آمده و نشست و ما به اطرافشان نشستیم در دست شان عصایی بود، سپس سر شان را به زیر انداخته و با عصایی که سرش کج بود بزمین زده و فرمودند: «هیچ کدام از شما نیست مگر اینکه جایش از جهنم و بهشت نوشته شده است، گفتند: یا رسول الله آیا بر نوشته ما در «لوح محفوظ» اعتماد نکنیم؟ فرمود: عمل کنید زیرا برای هر کس آنچه که برای آن آفریده شده است، آماده گشته» متفق علیه.

همچنین آنحضرت ﷺ می فرمایند: «آفرینش یکی از شما در رحم مادر برای چهل روز بصورت نطفه باقی می ماند و بعد از آن مثل همین مدت چهل روز به خون بسته تبدیل می گردد، مثل همین مدت هم چهل روز به گوشت پاره مبدل می گردد، سپس فرشته فرستاده شده و در وی روح می دمدم و به چهار چیز دستور داده میشود تا بنویسد: به نوشتن روزی اش، اجلش، عملش، و اینکه نیکبخت است یا بدبخت، پس سوگند به خدایی که معبود بر حقی بجز او نیست، همانا یکی از شما عمل اهل بهشت را انجام میدهد که میان او و بهشت جز گزی «فاصله» نمی ماند ولی نوشته «لوح محفوظ» بر وی سبقت می جوید و وی عمل اهل دوزخ را انجام داده به دوزخ داخل می گردد، و همانا یکی از شما عمل اهل دوزخ را انجام میدهد که میان او

و دوزخ جز گزی نمی ماند ولی نوشته «لوح محفوظ» بر وی سبقت جسته و وی عمل اهل بهشت را انجام داده و به آن داخل می گردد» متفق علیه

این حدیث قدر را ثابت می کند و اینکه هر آنچه در جهان است از سود و زیان به قضا و قدر خداوند است.

همچنان این حدیث می رساند که ارزش کارها و اعتبار آن به خاتمه است و نباید به ظاهر اعمال اعتماد شود، چنانکه نباید انسان به اعمال نیکش فریفته و مغرور گردد.

مؤمن باید ایمان و یقین کامل داشته باشد که آفریننده خیر و شر الله جَلَّ جَلَالُهُ است و به اوامر و نواهی شریعت پابندی داشته باشد و احکام الله را در آشکار و پنهان بر خود حاکم بداند، و با تکیه به تقدیر از عمل شانه خالی نکند.

و بداند که هدایت و گمراهی همگی بدست الله است، ثواب و عقاب بر اساس پیروی از شریعت و تخلف از آن است، نه بر اساس تقدیر، نباید در وقت مصیبت خود را به تقدیر حواله دهد و هرگاه به کار خوب و نیک توفیق یافت آن را از کمال خود نداند بلکه بگوید که همه از احسان و نیکی خداوند است، به لغزش های خود اعتراف نموده بلا فاصله از خداوند طلب مغفرت خواسته به او رجوع کند.

قسمت سوم

مسائل متعلق به شرک

از سوال {۵۸} الی {۷۶}

س ۵۸:- اموری که مسلمان را از دایره اسلام خارج ساخته و ایمانش را نقض می کند چیست؟

ج :- اموری که مسلمان را از دایره اسلام خارج نموده ایمانش را نقض می کند قرار ذیل است:

۱:- شریک قرار دادن با خداوند متعال در عبادت، مانند: غیر از خدا خواستن، یا به مخلوقی امید کردن یا از وی ترسیدن، یا دوستی با مخلوق مانند محبت با خداوند و یا بیشتر از آن، یا شباهت دادن مخلوقی با خالق، و یا اینکه عبادتی برای غیر الله تعالی اداء گردد مانند قربانی، نذر و غیره، و اینگونه اشخاص مشرک بوده داخل شدن جنت بر آنها حرام است و دوزخ جایگاه ابدی شان خواهد بود. خداوند میفرماید: ﴿إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ

حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ المائدة: ۷۲

ترجمه: «بیگمان هر کس شریکی برای خدا قرار دهد، خدا بهشت را بر او حرام کرده است و جایگاه او آتش است»

۲:- کسیکه میان خود و پروردگارش واسطه را قرار داده از آنها شفاعت میطلبد یا بر آنها توکل می نماید، به اجماع امت اسلامی کافر است.

۳:- کسیکه مشرکان و کافران را کافر نگوید یا در کفر آنان شک کند و یا اینکه راه، روش و مفکوره آنان را صحیح گفته و بهتر بداند، کافر است.

۴:- کسیکه معتقد باشد اینکه راه و روش و مفکوره های دیگران بهتر و کاملتر از هدایات و رهنمود های پیامبر گرامی محمد ﷺ است یا حکم آنان را بر حکم پیامبر ﷺ ترجیح داده آنرا صحیح بخواند کافر است، مانند کسانی که حکم طاغوت ها و مستکبران روی زمین را بهتر از اسلام میدانند.

۵:- کسیکه با رهنمود و اوامر پیامبر ﷺ بغض و کینه می ورزد هر چند به آن عمل کند، کافر است چنانکه خداوند می فرماید:

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آتَّبَعُوا مَا اسْحَطَ اللَّهُ وَكَرَّهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ﴾

محمد: ۲۸.

ترجمه: «بدان خاطر است که آنان بدنبال چیزی می روند که خدای را بر سر خشم میآورد، و از چیزی که موجب خوشنودی او است ناپسندی می کنند پس ضایع ساخت خدا اعمال ایشان را».

۶:- کسیکه به امری از امور دین اسلام توهین کند یا به آن تمسخر کند کافر است، خداوند در مورد چنین اشخاص میفرماید:

﴿قُلْ أِبَالَهُ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ﴾ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ
 إِيمَانِكُمْ ﴿التوبة: ۶۵ - ۶۶.

ترجمه: «بگو: آیا به خداوند و آیات او و پیغمبرش بازی و شوخی می کردید؟! عذر خواهی نکنید، شما پس از ایمان آوردن کافر شده اید»

۷- کسیکه جادو کند و یا به آن راضی شود کافر است مانند اختلاف افگنی میان دو دوست و یا نزدیک سازی میان دو شخص توسط جادو، خداوند در مورد کفر جادوگران چنین میفرماید: ﴿وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِيمَانًا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرُ﴾
 بقرة: ۱۰۲.

ترجمه: «آندو به هیچ کس چیزی نمی آموختند، مگر اینکه پیشاپیش به او میگفتند: ما وسیله آزمایش هستیم کافر نشو»
 ۸- کسیکه در برابر مسلمانان باکفار کمک و همکاری نموده و از آنها پشتیبانی می کند کافر است خداوند در مورد چنین مردمان می فرماید:

﴿وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ المائدة: ۵۱.

ترجمه: « هر کس از شما با ایشان «یهود و نصاری» دوستی ورزد بیگمان او از زمرهٔ ایشان به شمار می‌رود، و شک نیست که خداوند افراد ستمگر را هدایت نمی‌کند.»

۹:- کسیکه معتقد باشد اینکه بعضی اشخاص می‌تواند از شریعت محمد ﷺ پا بیرون نهد، پس اینگونه اشخاص کافر می‌باشد خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ آل عمران: ۸۵.

ترجمه: « کسیکه غیر از اسلام، آئینی برگزیند، از او پذیرفته نمی‌شود، و او در آخرت از زمرهٔ زیانکاران خواهد بود»
۱۰:- کسیکه از دین خداوند روگرداند، طوریکه نه آنرا می‌آموزد و نه به آن عمل می‌کند، کافر است خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّمِنَ الْمُجْرِمِينَ مُتَنَفِّمُونَ﴾ السجدة: ۲۲.

ترجمه: «چه کسی ستمکار تر از آن کسی است که به آیات پروردگارش پند داده شود، و او از آنها روی بگرداند؟ مسلماً ما از گناه کاران انتقام گیرنده ایم»

۱۱:- کسیکه ادعای علم غیب کند کافر است مانند فال بینان، جادوگران کف شناسان و نجومیان و هر کسیکه سخن از امور غیبی زند، بجز پیامبران خداوند که احياناً به اذن خداوند و حکمت و مصلحتی که در آن نهفته است از امور غیبی آگاهی میدهند. خداوند میفرماید:

﴿عَالَمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ۖ إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا﴾ الجن: ۲۶ - ۲۷.

ترجمه: «داننده غیب خدا است، و هیچکس را بر غیب خود آگاه نمیسازد مگر پیغمبری که خدا از او خوشنود باشد، خدا محافظان و نگهبانانی در پیش و پس او روان میدارد».

غیب گویان دوستان شیاطین اند، زیرا شیاطین برای آنان وحی می کند چنانکه خداوند میفرماید: ﴿وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ

أَوْلِيَائِهِمْ لِيَجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ﴾ الأنعام: ۱۲۱.

ترجمه: «بیگمان شیاطین مطالب و سوسه انگیزی به دوستان خود القاء می کنند تا با شما منازعه و مجادله کنند، اگر از آنان اطاعت کنید، بیگمان شما (مثل ایشان) مشرک خواهید بود»

همچنان پیامبر ﷺ در مورد آنان می فرمایند: «هنگامیکه خداوند تعالی در عالم بالا در مورد چیزی امر صادر نماید، فرشتگان یکدیگر را از آن خبر میدهند، درین حالت شیاطین که یکی بر بالای دیگر قرار دارند تا به جایی برسند که سخن فرشتگان را بشنوند، گاهی این سخن را می شنود و گاهی می شود که شهاب ثاقب «پارهٔ آسمانی» به او اصابت می کند، وقتی خبری را شنیدند آنرا از بالا برای شیاطین پائین انتقال میدهند تا اینکه سخنی را که شنیده اند برای جادوگران و فال بینان زمین برسانند، جادوگران و فال بینان با آن سخنی که شنیده اند، صد دروغ را یکجا نموده به مردم خبر می دهند.» بر گرفته از حدیث صحیح بخاری.

س ۵۹:- تصدیق نمودن جادوگران، فال بینان و شعبده بازان چه حکم دارد؟

ج :- هر که سخن جادوگران، کاهنان (فال بینان) و شعبده بازان را تصدیق نماید شریعت اسلام آنان را کافر خوانده است پیامبر ﷺ در این مورد چنین می فرمایند: «اگر کسی نزد فال بینی برود و او را در سخنی که میگوید (در امور غیب) تصدیق نماید، بی گمان به آنچه که بر محمد ﷺ نازل شده است، کافر شده است» سنن ابو داود.

س ۶۰:- شریعت اسلام در مورد علم نجوم و منجمانی که با استدلال به امور فلکی حوادث و پیش آمد های جهان را پیش بینی میکنند چه حکم می کند؟

ج :- اول باید بدانیم که خداوند ستارگان (نجوم) را بخاطر سه مقصد آفریده است چنانکه آیات قران آنرا واضح ساخته است:

۱:- بخاطر زیبائی و درخشان ساختن آسمان.

۲:- بخاطر راندن شیاطین.

۳:- بخاطر راه یابی.

و هر که غیر از آنچه ذکر شد، خلقت ستارگان را تفسیر و توجیه می کند، مرتکب خطای بزرگ شده و خود را در زمره جادوگران و فال بینان قرار داده است.

پیامبر گرامی ما ﷺ در مورد علم نجوم و پیشه وران آن چنین می فرمایند: «کسی که از ستارگان علمی را فرا گیرد در حقیقت شاخه از سحر (جادو) را آموخته است، به هر پیمانۀ که از آن (علم ستاره شناسی) بیاموزد، بهمان پیمانۀ گویا از سحر آموخته است» سنن ابو داود.

س ۶۱:- چگونه جادو یا طلسم را باز کنیم؟

ج- باز کردن جادو به دو قسم است:

۱- مشروع ۲- ممنوع

۱:- باز کردن جادو از راه مشروع اینست که با آیات قرآنی و دعاهای وارد از پیامبر ﷺ و یا دواهای مجرب نزد اطباء صورت گیرد.

۲:- اما درهم شکستن و باز کردن جادو از راه ممنوع اینست که توسط جادوگر صورت گیرد و اینکار انسان را بسوی شرک و کفر میکشاند، زیرا پیامبر ﷺ در مورد سحر گشایی سوال شدند، در جواب فرمودند:

« اینکار از عمل شیطان است » مسند احمد و سنن ابو داود.

علت ممنوع بودن این نوع آنست که جادوگر دومی به جنیات خود روی آورده از آنها میخواهد تا جادوی اولی را از بین ببرند، به این ترتیب جادوی اولی و دومی هر دو بواسطه شرک آوردن به الله صورت می گیرد، مانند شخصیکه میخواهد نجاست را بانجاست پاک کند.

س ۶۲:- سزای جادوگر چیست؟

ج- سزای جادوگر اینست که کشته شود، چنانکه از آنحضرت ﷺ ثابت است:

«سزای جادوگر اینست که گردنش با شمشیر زده شود» سنن ترمذی.

س ۶۳:- فال چیست و چند نوع دارد؟

ج :- فال اینست که انسان موفقیت و یا عدم موفقیت کار خود را مرتبط به حوادث یا رویدادها بداند که این عقیده از جمله شرک محسوب میشود.

فال به دو نوع تقسیم می گردد: ۱- **فال نیک** ۲- **فال بد**

۱- **فال نیک:** آنست که در قلب انسان خوشی و امیدواری پدید می آید و اینکار باعث اعتماد و گمان نیک به خداوند می گردد، پیامبر ﷺ در مورد فال نیک می فرمایند: «از فال نیک خوشم می آید، اصحاب کرام گفتند فال چیست؟ آنحضرت ﷺ فرمودند: سخن نیک» صحیح بخاری.

۲- **فال بد:** آنست که انسان تصیّم و انجام کارها یا خود داری از آن را به اساس فال بد پی ریزی نماید که این عمل شرک به الله تعالی و منافی کمال یگانه پرستی است، چنانکه اینکار از صفات مشرکین و دشمنان پیامبر ﷺ می باشد خداوند میفرماید: ﴿أَلَا إِنَّمَا طَأَّرْتُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾

ترجمه: « آگاه باش که فال بد ایشان تنها از جانب خدا بوده است لیکن اکثر آنان نمیدانستند»

همچنان پیامبر ﷺ درین مورد میفرمایند: « بد فالی شرک است» مسند احمد و این سخن را دو بار تکرار نمودند.

س ۶۴:- چگونه از بد فالی خود داری نمائیم؟

ج :- مسلمان باید به این عقیده باشد که نفع و ضرریکه عاید حالش میشود به قضاء و قدر خداوند صورت گرفته است و هیچ رویداد و حادثه در جلب منفعت و یا دفع ضرر تأثیر ندارد، اتکاء و توکلش باید فقط به توانایی و قدرت و اراده خداوند باشد، و اگر بدفالی در قلبش پدید آید باید به ارشادات نبوی عمل کند، پیامبر ﷺ در مورد کفاره آن چنین می فرمایند:

« شخصیکه بنا بر بد فالی از تصمیمش منصرف شود، در حقیقت او به الله شریک آورده است، اصحاب کرام پرسیدند: پس کفاره آن چیست؟ فرمود: اگر چنین اشتباه از کسی سر زند باید بگوید: ای الله! خوبی و نیکی از جانب تو است و جز فال (نیک) تو دیگر فال (نیک) وجود ندارد، زیرا جز تو معبودی نیست» مسند احمد.

س ۶۵:- معنای شرک چیست و بر چند نوع است؟

ج :- شرک بمعنای شریک قرار دادن با خداوند تعالی در آفرینش و پرستش است مانند: غیر از خداوند چیزی بخواهد که در مقدور بنده نیست، یا غیر از خدا رحمت بطلبد، یا غیر از خدا ترس و هراس داشته باشد، یا قربانی، نذر، یا عبادتی از عبادات را برای غیر الله انجام دهد، یا مخلوق را با خداوند در خصایص خداوندی همسان قرار دهد.

شرک دو نوع است: ۱- شرک اکبر ۲- شرک اصغر

۱- شرک اکبر: آنست که نوعی از عبادات برای غیر خداوند بجا آورده شود و آن را با آفریدگار جهان مساوی و همتا بداند، مانند: خواستن مطالب و حاجات در دعا غیر از الله، یا طوریکه از الله می ترسد از آن بترسد یا در وقت خوف به غیر الله پناه ببرد، در وقت مشکلات و مصایب غیر الله را خوانده از او بیم و امید داشته باشد و بر او توکل و اعتماد کند مانند بر آورده کردن نیازمندیها، و آسان کردن سختی ها چنانکه امروز در اطراف بسیاری از قبرها و زیارتگاه ها صورت می گیرد.

این نوع شرک مسلمان را از دایره اسلام خارج ساخته جایگاه ابدی اش دوزخ خواهد بود و اگر قبل از مرگ توبه کند خداوند آمرزنده و مهربان است.

خداوند میفرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾ النساء: ۴۸.

ترجمه: «بیگمان خداوند (هرگز) شرک به خود را نمی بخشد، ولی گناهان غیر از آن را از هر کس که خود بخواهد می بخشد، و هر که بخدا شرک ورزد، گناه بزرگی را مرتکب شده است»

چنانکه میفرماید: ﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ﴾ یونس: ۱۸.

ترجمه: «به جای خدا چیزی های را می پرستند که نه به آنان زیان می رساند و نه به آنان سود می رساند و می گویند ایشان شفاعت کنندگان مایند نزد خدا»

۲- شرک اصغر: عبارت از اقوال و افعالی است که با انجام دادن آن مسلمان به شرک اکبر نزدیک میگردد این نوع شرک را شرک خفی یا پنهان نیز می گویند زیرا اکثراً در نیت و اراده بنده راه پیدا می کند، مانند هر عملیکه منظور از آن رضای الله تعالی باشد ولی ریا در آن راه پیدا کند، که متأسفانه بسیاری از مردم به این نوع شرک آغشته اند، خداوند همه ما را هدایت عطاء فرماید.

پیامبر گرامی ما ﷺ در مورد امتش نگران بود تا مبادا درین دام شیطانی نیفتند چنانکه میفرمایند: «در باره شما از همه بیشتر از شرک اصغر بیم دارم از آنحضرت ﷺ در مورد آن سوال شد، فرمودند: ریا شرک اصغر است» مسند احمد و معجم طبرانی

مثال های از شرک اصغر:

۱:- شخصی برای ادای نماز می ایستد و بخاطر ریا نماز خود را حسن و زیبایی می بخشد.

۲:- سوگند خوردن به غیر الله مانند: قسم خوردن به پدران و اجداد، یا قسم به کعبه، قسم به شرف و ناموس، قسم به سر فلان، قسم به سخی، قسم به علی یا عباس، قسم به جان فلان بدون اینکه آنان را با خداوند مساوی بدانند.

از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که او مردی را شنید که می گفت: نه، و سوگند به کعبه، ابن عمر رضی الله عنهما گفت: به غیر خدا سوگند مخور! زیرا از رسول الله ﷺ شنیدم که می فرمودند: آنکه به غیر خدا سوگند خورد همانا کافر شده یا شرک آورده است» سنن ترمذی

۳:- شخصی صدقه میدهد تا مردم او را مدح و ستایش کنند.

۴:- شخصی جهاد می کند تا مردم او را شجاع گویند یا بخاطر بدست آوردن مال جهاد می کند.

۵:- شخصی قرآن را با خوش آوازی تلاوت می کند تا مردم آنرا شنیده وی را مدح کنند.

۶:- شخصی به دیگری می گوید: « آنچه را که خدا و تو بخواهی » شخصی همچو جمله را در مقابل پیامبر ﷺ استعمال کرد، آنحضرت ﷺ بطور سرزنش به او گفتند: « آیا مرا با خدا شریک گردانیدی؟ بلکه آنچه را که خداوند خودش بخواهد همان میشود » سنن ابوداود.

۷:- کسیکه بخاطر بدست آوردن مال و ثروت حج کند، یا امامت کند، یا علم بیاموزد، یا آذان دهد.

۸:- شخصی به دیگری میگوید: «اگر خدا و شما نمی بودید من در فلان مصیبت دچار می شدم» یا چنین می گوید: « من جز خداوند و شما کسی دیگر ندارم»، و درست اینست که بگوید: «اگر خدا نمی بود بعد از آن فلان» یا «من جز خداوند بعد از آن خودت...» پس بدانیم که شرک خفی باریکتر از مور سیاهیست که بر سنگ سیاه، در شب تاریک راه می رود، و بحریست که ساحل نداشته نجات یافتگانش کم اند. خداوند میفرماید:

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ الكهف: ۱۱۰.

ترجمه: «پس هر کس خواهان دیدار خدای خویش است، باید که کار شایسته کند، و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نسازد»

س ۶۶:- فرق میان شرک اکبر و اصغر چیست؟

ج:- فرق میان شرک اکبر و اصغر در چهار چیز است:

۱:- کسیکه مرتکب شرک اکبر شود از دین اسلام خارج گردیده و مرتد می شود اما شرک اصغر مرتکبش از دین اسلام خارج نگردیده بلکه مرتکب گناه بزرگ می گردد.

۲:- کسیکه مرتکب شرک اکبر شود بطور همیشگی و دایم در دوزخ است اما کسیکه مرتکب شرک اصغر شود داخل دوزخ گردیده ولی بطور جاویدان باقی نمی ماند.

۳:- شرک اکبر همه اعمال نیک مسلمان را محو می کند، لیکن شرک اصغر همان عملی را محو می کند که ریا و شرک با آن آمیخته شده است.

۴:- کسیکه مرتکب شرک اکبر میگردد خون و مالش مباح می شود، لیکن شرک اصغر جان و مالش را مباح نمی گرداند.

س ۶۷:- آیا مرده ها آواز زنده ها را می شنوند؟

ج :- مرده ها آواز زنده ها را نمی شنوند مگر اینکه خداوند بخواهد، خداوند می فرماید:

﴿إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى﴾ النمل: ۸۰.

ترجمه: «بیگمان تو نمیتوانی مردگان را شنوا بگردانی».

س ۶۸:- آیا از مرده های که مردمان نیک و صالح بودند کمک و یاری خواستن جایز است؟

ج :- نه، از مرده ها چه انبیاء و چه اولیاء کمک و یاری خواستن جایز نیست زیرا آنان قادر به چنین کاری نیستند، تنها خداوند متعال میتواند یار و مددگار بنده باشد و بس، خداوند

میفرماید: ﴿إِذِ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنْ

الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ﴾ الأنفال: ۹.

ترجمه: «به یاد آورید زمانی را که «در جنگ بدر» از پروردگار خود درخواست کمک و یاری مینمودید و او در خواست شما را پذیرفت...»

همچنان پیامبر گرامی ﷺ در دعایش چنین فرمودند: «ای زنده وای با تدبیر به رحمتت از تو کمک و یاری می خواهیم» سنن ترمذی.

مسلمان همه روزه با خداوند عهد و پیمان می بندد که تنها او را پرستش می کند و تنها از او کمک و یاری می طلبد، سوره

فاتحه گواه این عهد و پیمان است ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾

ترجمه: «تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می طلبیم» همچنان پیامبر گرامی ما ﷺ به ابن عباس رضی الله عنهما چنین توصیه نمودند: «ای پسر! خدا را حفظ کن تا ترا حفظ کند، خدا را بیاد داشته باش او را در برابرت می یابی، اگر چیزی می خواهی از خدا بخواه، و اگر یاری می جویی از خدا بجو» سنن ترمذی.

س ۶۹- چه کسانی اولیاء الله اند؟

ج- هر مؤمنی که در طاعت خداوند و پیامبرش ﷺ پابندی و مواظبت داشته از نافرمانی آنان اجتناب ورزد، از جمله اولیاء الله به شمار می رود.

خداوند می فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾ یونس: ۶۳.

ترجمه: «دوستان (اولیاء) خدا آنانی اند که ایمان آورده اند و پرهیزگاری پیشه کردند»

س ۷۰- کرامات اولیاء چیست؟

ج- کرامات اولیاء عبارت از امر خارق العاده است که از دوستان الله تعالی و بندگان نیک و صالحش صادر می شود و این

عمل به خواست و ارادهٔ خداوند صورت گرفته، اولیاء در صدور آن هیچ اختیار و دخالتی ندارند مانند قصهٔ اصحاب کهف، و قصهٔ پناه بردن سه نفر به غار و توسل جستن آنان به اعمال نیک شان تا اینکه دهن غار باز گردید، و مانند کرامات عمر فاروق هنگامیکه از سر منبر نبوی در مدینه به ساریه سر لشکر مسلمانان در شام صدا زد تا از محاصرهٔ دشمن خود را نجات دهند، و فرستادن مکتوب وی بنام دریای نیل هنگامیکه نامهٔ او رسید رود نیل جاری گردید، و این کرامات تا روز قیامت در امت محمد ﷺ دوام خواهد داشت.

احیاناً اگر بعضی امور خارق العاده از مردمان بی تقوا و مخالف با شرع سر زد باید بدانیم که کرامت نبوده عمل شیطانی و شعبده بازی است.

س ۷۱:- آیا مسلمان ضرورت به واسطه ای میان خود و پروردگارش دارد؟

ج :- نه، خداوند به بنده گانش آنقدر نزدیک است که ضرورت به واسطهٔ ندارد چنانکه میفرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي

عَنِّي فَأِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ البقرة: ۱۸۶.

ترجمه: «و چون بندگانم از تو در بارهٔ من بپرسند، (بگو): من نزدیکم و دعای دعا کننده را هنگامی مرا بخواند، قبول میکنم» همچنان خداوند در حدیث قدسی می فرماید: «ای بندگانم همهٔ شما گمراهید جز آنکه او را هدایت کرده ام پس از من هدایت طلبید تا شما را هدایت و رهنمونی کنم، ای بندگانم همهٔ شما گرسنه اید مگر آن را که من روزی دهم پس از من بخواهید تا شما را روزی دهم، ای بندگانم همهٔ شما برهنگانید مگر کسی را که من پیوشانم پس از من بخواهید تا شما را پیوشانم، ای بندگانم شما شب و روز خطا می کنید و من همهٔ گناهان را می آمرزم پس از من آمرزش طلبید تا شما را بیامرزم. . .» بخشی از حدیث قدسی در صحیح مسلم.

س ۷۲: - مسلمان با کدام وسیلهٔ میتواند بخداوند نزدیک گردد؟

ج: - خداوند متعال راه های زیادی را برای مسلمانان مهیا کرده است تا به وسیلهٔ آن به وی نزدیک گردیده و رضامندی اش را حاصل نمایند خداوند میفرماید:

﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ المائدة: ۳۵.

ترجمه: «و برای تقرب به خدا وسیله بجوئید (که عبارت از طاعت و اعمال شایسته است)»

بعضی از این وسیله های که بنده را بخداوند تعالی نزدیک میسازد مختصراً بیان میداریم:

- ۱- نزدیک شدن بخداوند بوسیله نام ها و صفات خداوند تعالی.
- ۲- نزدیک شدن بخداوند بوسیله ایمان و اعمال نیک.
- ۳- نزدیک شدن بخداوند بوسیله دعای مردمان صالح و نیکو کار زنده.
- ۴- نزدیک شدن بخداوند بوسیله اعتراف کردن گناهان و اظهار عاجزی.

س ۷۳:- تعویذ چیست؟ و آیا بستن آن جایز است؟

ج :- تعویذ عبارت از نوشته های است که آنرا پوش کرده بر گردن کودکان و یا بزرگان جهت دفع نظر یا هر آسیبی دیگر آویزان می کنند. تعویذ دو نوع است:

- ۱- تعویذ های که از آیات قرآن است.
 - ۲- تعویذ های که غیر از آیات قرآن است.
- ۱:- تعویذ های که تنها از آیات قرآن کریم باشد بیشتر علماء آنرا ممنوع قرار داده اند، و دلیل آنها در این مورد چنین است.

● پیامبر ﷺ از آویزان کردن هر نوع تعویذ و تومار منع کرده است چنانکه فرموده اند: «کسیکه تعویذ باویزد همانا شرک ورزیده است» مستدرک حاکم

- جواز آن راه را بسوی تعویذ های غیر قرآنی باز می کند، پس بنا بر مصلحت شرعی این باب را کاملاً مسدود کرده اند.
- آویختن این چنین تعویذ ها توهین به آیات قرآن کریم است زیرا کسیکه تعویذ را بر جسمش می بندد داخل تشناب و جاهای ناپاک می گردد.

۲- تعویذ های که غیر از آیات قرآنی باشد مانند رسم جدول، یا نوشتن حروف ابجدی، یا تارها، یا نامهای جن و شیطان و یا هر طلسمی باشد هر چند با بعضی از آیات قرآنی یکجا شده باشد حرام بوده به اتفاق علماء از جمله شرک بشمار می رود، چنانکه آنحضرت ﷺ می فرمایند: «هرکه چیزی را به جسم خویش ببندد، به همان چیز سپرده میشود» مسند احمد و سنن ترمذی

همچنان می فرمایند: «دم کردن، تعویذ ها و آنچه بخاطر ایجاد محبت میان زن و شوهر است شرک بشمار می رود» نزد احمد و سنن ترمذی

س ۷۴:- آویختن مهره، حلقه، کره، چشم مهره، خر مهره، و قلاده و غیره بر گردن کودکان و حیوانات چه حکم دارد؟

ج :- آویختن مهره، حلقه، چشم مهره، خر مهره، قلاده بخاطر دفع آسیب و نظر از کودکان و حیوانات همه شرک است چنانکه پوشیدن کره روماتیزم و غیره حرام و ناجایز بوده از امور شرکی

شمرده شده است، پیامبر ﷺ می فرماید: «هر که چیزی را به جسم خویش ببندد، به همان چیز سپرده می شود» مسند احمد و سنن ترمذی یعنی از حفاظت و نگهبانی خداوند تعالی خارج شده به همان چیز سپرده میشود. همچنان آنحضرت ﷺ شخصی را فرستاده تا قلاده های را که بخاطر دفع نظر بر گردن شتران آویخته اند قطع نمایند. متفق علیه.

همچنان آنحضرت ﷺ شخصی را دیدند که در دستش کره را بسته است، آنحضرت ﷺ از او پرسیدند این چیست؟ آن شخص گفت: برای نجات از ناتوانی، سستی و کسالت آنرا بدست کرده ام. پیامبر ﷺ به وی فرمودند: آنرا از دست بیرون کن، زیرا این جز ناتوانی و کسالت چیز دیگری نخواهد بخشید، و اگر بمیری در حالیکه این حلقه در دستت باشد هرگز (از دوزخ) نجات نخواهی یافت» مستدرک حاکم و مسند احمد.

س ۷۵:- در مورد دم کردن و دعا خوانی بر مریض، شریعت اسلامی چه حکم می کند؟

ج :- دم کردن و دعاخوانی بر مریضان دو قسم است:

۱- مشروع ۲- نامشروع

۱:- دم کردن و دعا خوانی مشروع آنست که خالی از الفاظ شرکی باشد درین صورت به سه شرط ذیل جایز می باشد:

۱:- به زبان فصیح باشد تا اینکه معنایش فهمیده شود.
 ۲:- از قرآن کریم و یا احادیث نبوی و یا از اسماء و صفات خداوند تعالی باشد.

۳:- معتقد به این باشد که دم و دعا به تنهایی خود مؤثر نبوده بلکه تأثیر آن به اراده و خواست خداوند متعال صورت می گیرد.
 ۲:- دم و دعای نامشروع آنست که در آن الفاظ شرکی وجود داشته از غیر خداوند کمک و یاری خواسته شود، مانند دم کردن بنام های جن ها و فرشتگان، پیامبران، نیکوکاران و غیره که قادر به رساندن نفع و ضرر نیستند، چنانکه رفتن نزد مردمان معروف به فال بین و شعبده باز، جادوگر، و کسانی که اینکار را حرفه و پیشه خود قرار داده اند، نا جایز و حرام بوده مسلمان باید از آنها دوری بجوید.

س ۷۶:- آیا حصول برکت و فیض از سنگ، درخت، قبر و غیره جایز است؟

ج :- حصول فیض و برکت از سنگ، درخت، قبر، چشمه، تپه و غیره اگر به این نیت باشد که گویا اینها وسیله و واسطه میان وی و خداوند قرار می گیرند و یا اینها شفاعت کننده نزد الله تعالی میباشند، در واقع وی به الله تعالی این چیزها را شریک ساخته و این از شرک اکبر محسوب میشود، خداوند می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾
الزمر: ۳.

ترجمه: «و آنانی که جز خدا دوستان و یاران دیگری را بر میگیرند (میگویند): ما آنان را پرستش نمیکنیم مگر برای آنکه ما را به خداوند نزدیک گردانند»

و اگر به نیت این باشد که گویا با مالیدن و لمس کردن و یا رفتن به جاهای مخصوص جسمش پربرکت و پرفیض میگردد، این طرز فکر شرک اصغر است.

ابو واقد لیثی رضی الله عنه روایت میکند که ما در غزوه حنین همراه با رسول الله ﷺ در حرکت بودیم، و ما در آن اواخر مسلمان شده بودیم که در طول راه درختی از بیر به نظر رسید که آنرا ذات انواط مینامیدند. مشرکین آنرا وسیله طواف قرار داده و سلاح های شانرا بآن می آویختند، پس نظر ما به درختی افتاد گفتیم ای رسول الله ﷺ برای ما هم درختی را برای آویزان کردن سلاح های ما انتخاب کن چنانکه مشرکین درختی برای سلاح آویزان کردن دارند، رسول الله ﷺ فرمودند: الله اکبر این رسم باستانی است، قسم بذاتیکه جانم بدست اوست، چنان گفتید که بنی اسرائیل برای موسی گفتند: برای ما الهی انتخاب

کن چنانکه برای آنها الهی است، یقیناً شما بر روش پیشینیان روان هستید» سنن ترمذی.
 آنها به این گمان بودند که این عمل در شرک داخل نیست،
 وقتی پیامبر ﷺ ایشان را ازین عمل باز داشت خود داری نمودند.



قسمت چهارم

مسائل متعلق به امور نو پیدا در دین

(بدعت)

از سوال {۷۷} الی {۸۵}

س ۷۷:- بدعت در دین چیست؟

ج :- کلمه بدعت بمعنای اختراع و نو آوری است، و بدعت در دین آنست که هر امری در عبادات دلیلی از قرآن کریم و یا سنت پیامبر ﷺ نداشته باشد بدعت گفته می شود، همچنان بدعت را ضد سنت میتوان گفت. چنانکه پیامبر ﷺ میفرمایند:

« کسیکه عملی انجام دهد که دین ما آن را تأیید نکند مردود است » صحیح مسلم

بعضی علما بدعت در دین را چنین تعریف کرده اند: کسیکه قول و عملی مربوط به دین را مخالف قول و عمل پیامبر ﷺ و اصحابش اختراع نماید بدعت نامیده میشود.

س ۷۸:- بدعت در دین چه حکم دارد؟

ج :- بدعت و نو آوری در دین حرام است خداوند میفرماید:

﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ لُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَصَلَّىٰ بِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ النساء: ۱۱۵.

ترجمه: «کسی که مخالفت با پیغمبر کند بعد از آنکه راه هدایت روشن شده است و غیر راه مؤمنان را در پیش گیرد، او را به همان جهتی که دوستش داشته است رهنمود میگردانیم و به دوزخش داخل میگردانیم و دوزخ چه بد جایگاهی است!»

چنانکه پیامبر ﷺ در این مورد می فرماید: «بی گمان بهترین سخن کتاب خدا است و بهترین راه هدایت، راه هدایت محمدی است و بدترین امور آنست که بدعت باشد و هر امری نوپیدا (بدعت) گمراهی است» صحیح مسلم.

س ۷۹:- لطفاً بعضی از بدعت های که در بین مسلمانان منتشر گردیده است مختصراً بیان کنید؟

ج :- متأسفانه بدعت ها در جوانب مختلف عبادات و عادات مسلمانان رایج گردیده است، ما بطور مختصر به بعضی از این بدعت ها اشاره می نمایم خدا کند برادران مسلمان ما متوجه شده به ریسمان خداوند (قرآن و سنت) چنگ بزنند و راه های را که شیطان باز نموده است مسدود نمایند.

بدعت های که در عبادات و عادات مردم راه یافته قرار ذیل می باشد:

- **بدعت در روزه:** روزه گرفتن اولین روز ماه رجب و مشخص نمودن بعضی روزهای این ماه به روزه، روزه گرفتن ماه های رجب و شعبان و رمضان پیایی.

- **بدعت در زکات:** مانند کسیکه زکات را به ماه رجب تأخیر می نماید.

● **بدعت در حج:** لمس کردن رکن عراقی و شامی کعبه شریفه، لازم گردانیدن بعضی از حجاج رفتن به جبل رحمه و مسح و لمس کردن جسمشان را در آنجا، تبرک جستن به درختان و سنگهای مکه و مدینه، طواف کردن به قبر پیامبر ﷺ و مسح و لمس کردن دیوار و منبر و محراب مسجد نبوی شریف، راه پیمایی و مظاهرات در موسم حج بنام براءت از مشرکین.

● **بدعت در قرآن کریم:** کراه کردن قاریان بخاطر خواندن قرآن بر روح مرده، آویختن آیات قرآن بشکل تعویذ، ختم مجلس با خواندن سوره عصر، قرآن خوانی بصورت جماعی، قرآن خواندن بالای قبرها، میله و مهمانی بنام ختم قرآن.

● **بدعت در روز جنازه و بعد از آن:** پوشانیدن مرده با پارچه که آیات قرآنی دارد، تقسیم نمودن صدقه و خیرات بالای قبر، دعوت نمودن مردم به منزل مرده و صرف طعام بعد از دفن، گذاشتن مرده در تابوت، کراه کردن قاریان بخاطر خواندن قرآن و بخشش اجر آن به مرده، برگزاری مجلس بخاطر ماتم و گریه و ناله، بلند کردن قبر و گذاشتن لوحه و گنبد بر سر قبر، گردهم آیی مردم به منزل مرده در روزهای اول، دوم و سوم و هفتم و شب های جمعه و روز چهارم و پوره شدن سال، گذاشتن

گل ها، پاشیدن آب و غرس درخت بر قبر، مشخص نمودن روز معین بخاطر زیارت قبرهای اولیاء و انبیاء، پوشیدن لباس معین و رنگ معین در روز جنازه و بعد از آن.

● **بدعت در بر نامه های خوشی:** تجلیل روز مادر، روز معلم، سالگرهٔ اطفال و افروختن شمع، سالگرهٔ عروسی، مهمانی شب ششم تولد طفل، تجلیل روز نوروز و آماده کردن هفت میوه، میلهٔ دیگچه، میلهٔ شب برات، پختن برنج و حبوبات در روز عاشورا.

● **بدعت در مدح و ستایش اشخاص و حصول فیض و برکت از آنها:** مانند غلو و افراط در مدح انبیاء و مردمان نیک، تبرک و ستایش پسران مردمان صالح هر چند فاسق هم باشند، توسل جستن بحق و جاه مخلوقین، تبرک جستن از دروازه ها و دیوارهای مکه و مدینه و مقام ابراهیم و پوش کعبه و دیوارهای آن.

خوانندهٔ عزیز: بدعت تنها در امور فوق منحصر نبوده، بلکه انواع و اقسام بیشتر دارد که ضرورت به جمع آوری آن در کتابها می باشد.

بدعت های فوق و غیره خالی از دو حالت نیست، یکی اینکه پیامبر ﷺ و یارانش به آن عمل نکرده اند، و یا عادات، و تقلید

مردمان غیر مسلمان است که در میان مسلمان رخنه نموده صلاحیت مشروع بودن را بخود داده است، پس بر مسلمان لازم است تا عبادات، رسم و رواج و عادات خویش را مطابق و موافق به احکام و ارشادات پیامبر گرامی ما محمد ﷺ عیار نمایند و از هر گونه بدعت و نوآوری در دین دوری نمایند زیرا بدعت بدتر از گناه کبیره است چون شخصیکه گناه کبیره را مرتکب می شود میداند که وی گنهکار شده و شاید روزی توبه نماید، اما شخصیکه بدعت کار باشد اعتراف به گناه نمیکند و خود را پا بند به شریعت میدانند و ادعاء میکنند که وی بوسیله این اعمال بدعتی بخداوند نزدیک میگردد و روزی هم به فکر توبه نمیشود، تا اینکه موجب غضب و قهر خداوند شده از رحمت وی محروم میگردد، مگر کسی را که خداوند به لطفش رهنمایی نموده بحق رجوع کند.

س ۸۰:- آیا پیامبر گرامی ما حضرت محمد ﷺ از نور آفریده شده اند یا از نطفه؟

ج :- خداوند تعالی محمد ﷺ را مانند سایر بشریت از نطفه آفریده است، خداوند می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ

نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُحَرِّجُكُمْ طِفْلاً﴾ غافر: ۶۷.

ترجمه: « خداوند ذاتیست که شما را از خاک آفرید سپس از نطفه، سپس از خون بسته، سپس شما را کودک بیرون می آرد». همچنان خداوند می فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾ الكهف: ۱۱۰.

ترجمه: «بگو جز این نیست که من آدمی ام مانند شما، وحی فرستاده می شود بسوی من».

س ۸۱:- آیا پیامبر ﷺ مانند سایر بشریت چشم از جهان پوشید، یا اینکه مرگ وی با دیگران فرق دارد؟

ج :- پیامبر ﷺ مانند سایر بشر چشم از جهان پوشیدند و به خاک دفن گردیدند، خداوند میفرماید:

﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ﴾ الزمر: ۳۰.

ترجمه: « ای محمد! تو هم میمیری، و همه آنان میمیرند»
روزیکه پیامبر گرامی ما حضرت محمد ﷺ وفات یافتند حضرت عمر رضی الله عنه مدهوش شده بود و می گفت: سوگند به خدا بیگمان پیامبر ﷺ باز می گردد و همانا دست و پای کسانیکه می گویند او مرده است قطع و بریده خواهد شد. ابوبکر صدیق از خانه عایشه رضی الله عنها بیرون آمد در حالیکه عمر با مردم صحبت می کرد. ابوبکر گفت: ای عمر! بنشین.

سپس گفت: اما بعد! آنکه از شما محمد ﷺ را می پرستید باید بدانند که محمد مرده است و آنکه الله را می پرستید باید بدانند که خدای محمد زنده است و نمی میرد. خداوند میفرماید:

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ آل عمران: ۱۴۴.

ترجمه: «محمد جز پیغمبری نیست و پیش از او پیغمبران بوده و رفته اند؛ آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، شما به عقب بر میگردید؟! و هر کس به عقب باز گردد هرگز کوچکترین زبانی به خدا نمیرساند و خدا به شکرگزاران پاداش خواهد داد.»

عمر رضی الله عنه گفت: به خدا سوگند بعد از اینکه ابوبکر آن را تلاوت کرد بر زمین افتادم و دانستم که پیامبر ﷺ وفات یافته اند. صحیح بخاری

س ۸۲: - چگونه خداوند متعال و پیامبر گرامی اش را دوست بداریم؟

ج: - خداوند و رسولش را با فرمانبرداری اوامر شان دوست میداریم و هر کسی ادعای محبت خداوند و رسولش را دارد، باید

پیروی از ارشادات و رهنمائی های محمد ﷺ کند نه اینکه به زبان ادعا نماید. خداوند میفرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ آل عمران: ۳۱.

ترجمه: «بگو: اگر خدا را دوست میدارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد، و خداوند آمرزندهٔ مهربان است»

چنانکه پیامبر ﷺ می فرماید: «ایمان کسی از شما کامل نخواهد شد تا اینکه مرا بیشتر از پدر و فرزند و تمامی مردم دوست نداشته باشد» صحیح بخاری.

س ۸۳: - علت و انگیزهٔ ظهور بدعتها در امت اسلامی چیست؟

ج: - عمده ترین عواملی که منجر به ظهور بدعت و نوآوری در امت اسلامی گردیده چهار چیز است:

۱: - دوری مسلمانان از احکام و فرامین دین شان (جهل).

۲: - تشبه به کفار و تقلید از کلتور آنان.

۳: - پیروی از خواهشات نفس.

۴: - تعصب به آراء و نظریات اشخاص (غلو).

س ۸۴: - چگونه از بدعت، انحراف و خرافات دوری ورزیم؟

جـ :- یگانه راه نجات از بدعت ها و خرافات پیروی از قرآن و سنت پیامبر ﷺ و روش یاران پیامبر ﷺ است، هر مسلمان مکلف است تا در جستجوی حق شده حق را از باطل، سنت را از بدعت تمیز نماید و از تعصب به اشخاص و نظریات شخصی که مبتنی بر دلایل شرعی نیست بپرهیزد و همیشه به علماء و دانشمندان اسلامی تماس داشته مسایلی را که وی درست درک کرده نمی تواند با علماء مطرح نماید.

شکی نیست که هر گروه و فرقه منسوب به اسلام خود را بر حق دانسته وارث بهشت می‌شمارد لیکن معیار بر حق بودن چیست؟

پیامبر ﷺ این معیار را تعیین می کند چنانکه میفرمایند « دیری نخواهد گذشت که امت من هفتاد و سه گروه گردند تمام آنها در دوزخ می روند غیر از یک گروه، آنها کسانی اند که پیروی از من و اصحاب من میکنند» سنن ترمذی و مستدرک حاکم.

همچنان میفرمایند: «شما را به تقوی و ترس از خدا، و شنیدن و اطاعت کردن توصیه می کنم هر چند غلام حبشی بر شما امیر باشد، بی گمان آنکه از شما زنده بماند، بزودی شاهد اختلافات زیادی خواهد بود، پس بر شما لازم است که از طریقه من و طریقه خلفای راشدین که آنها هدایت کنندگان اند پیروی نمایید

و آنرا بادندان ها محکم گیرید و از بدعت در دین بپرهیزید زیرا هر امر نو پیدایی گمراهی است» سنن ابو داود و ترمذی.

س ۸۵:- هرگاه در مسأله اختلاف رخ دهد چگونه آنرا حل نمائیم؟

ج:- اگر در مسأله اختلاف رخ داد به قرآن کریم و سنت صحیح رسول الله ﷺ رجوع نموده آنرا حل و فصل می کنیم، خداوند میفرماید:

﴿فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ النساء: ۵۹.

ترجمه: «و اگر در چیزی اختلاف کردید آن را به خدا و پیغمبر او برگردانید، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید، این کار برای شما بهتر و خوش فرجام تر است» همچنان پیامبر ﷺ در این مورد چنین توصیه می نمایند:

«میان شما دو چیز را گذاشته ام که اگر به آندو چنگ زنید هرگز گمراه نخواهید شد کتاب خدا و سنت رسول الله « موطا مالک.

خداوند مفرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَاتَّقُوا وَاتَّقُوا

اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ الحشر: ۷.

ترجمه: « چیزهای را که پیغمبر برای شما (از احکام الهی) آورده است اجراء کنید، و از چیزهای که شما را از آن باز داشته است، دست بکشید، از خدا بترسید که خداوند عقوبت سختی دارد»



قسمت پنجم

مسائل متعلق به عقیده اهل سنت در بارهء

اصحاب کرام

از سوال {۸۶} الی {۹۲}

س ۸۶: - در باره اصحاب کرام رضی الله عنهم چگونه عقیده داشته باشیم؟

ج - بر هر مسلمان واجب است که آنان را دوست داشته و احترام نماید، قلب و زبانش در مورد آنها پاک باشد، گواهی دهد که آنان مردمان عادل بودند، هیچ نوع کینه و کدورت در مورد آنها نداشته باشد، زبان خود را از بدگویی آنها محفوظ نگهدارد. پیامبر ﷺ در مورد آنها چنین توصیه می فرمایند:

« یاران مرا دشنام ندهید، قسم بذاتیکه جانم بدست اوست اگر یکی از شما چون کوه احد طلا صدقه بدهد، به اندازه یک و یا نیم پیمانه صدقه آنها نمی رسد» متفق علیه.

آنها نمونه از تقوی، وفا، سخا و صداقت اند که حتی در تورات و انجیل از آنان یاد شده است چنانکه آیات زیادی از قرآن گواه و شاهد بر آنهاست پس هر که در مقابل آنها دشمنی می ورزد یا آنها را به بدی یاد می کند و یا طعنه می زند زندیق است زیرا وی آیات و احادیث صریح که در مورد فضیلت آنها است رد و تکذیب می کند.

س ۸۷:- آیا میان یاران پیامبر ﷺ تفاوت و افضلیت وجود دارد؟

ج :- بلی ! افضلترین اصحاب پیامبر ﷺ مهاجرین سپس انصار، و بعد از آنان کسانی که در جنگ بدر و احد شرکت نموده بودند، به دنبال آنها اصحاب بیعت رضوان سپس کسانی اند که قبل از فتح مکه مال های خود را در راه خداوند خرچ نمودند، سپس کسانی که بعد از فتح مکه مشرف به اسلام و صحبت پیامبر گرامی اسلام شدند.

س ۸۸:- افضلترین اصحاب پیامبر ﷺ چه کسانی اند؟

ج :- افضلترین اصحاب پیامبر ﷺ خلفای راشدین:

«حضرت ابوبکر، حضرت عمر، حضرت عثمان، حضرت علی رضی الله عنهم» هستند سپس ده نفر صحابی که مژده به جنت داده شده اند که عبارت اند از:

خلفای راشدین، زبیر بن العوام، طلحه بن عبیدالله، عبدالرحمن بن عوف، ابو عبیده بن الجراح، سعد بن ابی وقاص و سعید بن زید رضی الله عنهم.

س ۸۹:- عقیده اهل سنت و جماعت در مورد اختلافات و درگیری های که میان اصحاب کرام صورت گرفت چیست؟
 ج :- مذهب اهل سنت و جماعت در مورد آنچه که میان صحابه کرام رخ داد اینست که از هر گونه قضاوت و داوری و اظهار نظر و بحث و مناقشه در مورد آنان خود داری باید کرد و این توصیه خداوند را شعار خود قرار میدهند:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ الحشر: ۱۰.

ترجمه: «پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته اند بیامرز، و کینه ای نسبت به مؤمنان در دلهای ما جای مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی»

در گیری های که میان آنان رخ داد البته از روی اجتهاد بود و هر مجتهدی از دو حالت خالی نیست، یا درست و یا خطا، اگر اجتهادش درست و حق با او بود، دو اجر دارد و اگر اجتهادش نادرست و حق با او نبود یک اجر دارد، لذا هر دو جانب از اجر و پاداش بی بهره نیستند زیرا هدف و مقصد آنان از این اختلافات و درگیری ها منصب، ریاست و یا مطلب دنیوی

نبوده فقط بخاطر دفاع از حق و حصول رضامندی خداوند و رفع مسؤلیت چنین اختلافات میان آنها رخ داده است. لغزش و خطاهای آن راد مردان تاریخ در پهلوی بحر بیکران فضایل و کارنامه های نیک آنان قابل مقایسه نیست. ایشان این جهان را در حالی وداع گفتند که خداوند از آنها راضی و خشنود و آنها از الله تعالی راضی بودند.

چنانکه خداوند میفرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ التوبة: ۱۰۰.

ترجمه: «پیشگامان نخستین مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی روش آنان را در پیش گرفتند و راه ایشان را بخوبی پیمودند، خداوند از آنان خوشنود است و ایشان هم از خدا خوشنودند، و خداوند برای آنان بهشت را آماده ساخته است که در زیر (درختان و کاخهای) آن رود خانه ها جاری است و جاودانه در آنجا میمانند، این است پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ»

متأسفانه در عصر حاضر به اصطلاح بعضی از روشنفکران و نویسندگانیکه در مورد اصحاب پیامبر ﷺ داوری و قضاوت کرده بعضی از آنها را بر حق و دیگری را خطا کار معرفی می کنند، باید بدانند که از راه راست تخطی نموده اند و پلان های دشمنان کینه توز اسلام را پیاده مینمایند، دشمنان اسلام بخاطر تفرقه افگنی و بد نام کردن بزرگان صدر اسلام روایات دروغین و تحریف شده زیادی را تزویر و جعل نموده اند و همچو فیلسوف نماها به این روایات استناد و استدلال نموده، جهل و نادانی خویش را ثابت می نمایند.

س ۹۰:- مسؤلیت ما در قبال اهل بیت پیامبر ﷺ چگونه است؟

ج :- اهل سنت و جماعت در همه مسایل میانه رو است منجمله موقف آنها در مورد اهل بیت رسول الله ﷺ معتدل بوده در مورد آنها نه افراط و نه تفریط دارند، آنها را از صمیم قلب دوست داریم و معتقد هستیم که خداوند تعالی آنها را از هر گونه زشتی و ناپاکی دور و پاک ساخته است، محبت و دوستی اهل بیت را جز ایمان خود میدانیم زیرا پیامبر ﷺ به امتش وصیت نموده تا اهل بیتش را دوست داشته آنها را احترام نمایند چنانکه میفرماید: «اهل بیت من، الله جل جلاله را در

بارۀ آنها به شما یاد می کنم) صحیح مسلم و مسند احمد - یعنی از خدا بترسید آنها را به بدی یاد نکنید -

س ۹۱:- چه کسانی اهل بیت پیامبر ﷺ اند؟

ج :- اهل بیت پیامبر ﷺ آنانی اند که گرفتن صدقه بر ایشان حرام است و عبارت اند از:

همسران و دختران پیامبر گرامی مان ﷺ و آل علی، آل جعفر، آل عباس، بنو حارث بن عبد المطلب.

س ۹۲:- اگر امروز کسی ادعا کند که وی از اهل بیت پیامبر گرامی ما ﷺ است با وی چگونه رفتار نماییم؟

ج :- اگر کسی ادعا کند که وی از نسل پیامبر ﷺ و یا از اهل بیتش است (سید و یا شریف است) وی را دوست میداریم و احترامش را بجا می آوریم لیکن مشروط بر اینکه پیرو و پایند شریعت و سنت آنحضرت ﷺ باشد، اما اگر این ادعا را کند سپس عملش مخالف سنت و شریعت پیامبر ﷺ باشد، پس دوستی و احترام او جایز نیست، زیرا آنحضرت ﷺ فرموده اند: «کسی که عملش نزد خداوند قبول نگردد نسبش به وی سودی نخواهد کرد» صحیح مسلم

همچنان هنگامیکه خداوند پیامبرش را امر فرمود تا خویش و اقاربش را به اسلام دعوت نموده آنان را از آتش دوزخ بیم دهد، آنحضرت ﷺ بر خاسته فرمودند:

«ای گروه قریش! خود را از آتش دوزخ نجات دهید! ای گروه بنی کعب خودتان را از آتش دوزخ نجات دهید! ای فاطمه دختر محمد (ﷺ)! خود را از آتش دوزخ نجات ده که به خدا سوگند من در نزد خداوند به شما نفعی رسانیده نمی توانم...» صحیح مسلم



قسمت ششم

مسائل متعلق به توبه

از سوال {۹۳} الی {۹۹}

س ۹۳:- اگر شخصی مرتکب گناهی بزرگ و یا شرک شود آیا دروازه توبه برویش باز است؟

ج:- بلی! دروازه توبه بروی هر کسی باز است و هرگاه انسان از عمق دل و اخلاص کامل توبه کند خداوند گناهان او را می آمرزد چنانکه میفرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً

كُتُوبًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾ التحريم: ۸.

ترجمه: «ای مؤمنان! به درگاه خداوند توبه نصوح کنید، چه بسا پروردگار تان گناهانتان را محو نماید»

س ۹۴:- توبه که مورد قبول قرار می گیرد چگونه است؟

ج:- توبه از هر گناهی واجب است اما اگر گناه میان بنده و خدا باشد و به حقوق آدمی ارتباط نداشته باشد با سه شرط قبول میگردد:
۱:- گناه را فوراً ترک کند.

۲:- از انجام دادن آن اظهار ندامت و پشیمانی نماید.

۳:- تصمیم گیرد که دوباره آن را انجام ندهد.

اگر یکی از این شروط موجود نشود، توبه اش مورد قبول نیست. و اگر گناه به حقوق انسانها تعلق داشته باشد چهار شرط دارد، علاوه بر این شروطی که ذکر شد، اینکه از صاحب حق بخشش طلب کند.

اگر این حق مال و امثال آن باشد به وی باز گرداند، اگر حد تهمت و امثال آن باشد از او طلب عفو کند، اگر غیبت باشد بخشش طلبد و لازم است از همه گناهان توبه کند.

س ۹۵:- چه زمانی توبه قبول نمیگردد؟

ج :- دو وقتی است که توبه قبول نمیشود:

۱:- هنگامیکه شخص فرشته مرگ را ببیند و متیقن گردد که مرگ به سراغش آمده است، توبه اش قبول نمیگردد، پیامبر ﷺ میفرماید: «خداوند عزوجل توبه بنده را می پذیرد تا لحظه ای که روح به حلقومش نرسد» سنن ترمذی

۲:- هنگامیکه آفتاب از مغرب طلوع کند دروازه توبه بسته می شود چنانکه آنحضرت ﷺ میفرماید: «قیامت بر پا نمیشود تا آنکه آفتاب از مغرب طلوع نکند، هنگامیکه طلوع کرد و مردم آنرا مشاهده کردند همگی ایمان می آورند لیکن در آن وقت ایمان آوردن سودی نمی بخشد» صحیح بخاری و مسلم

س ۹۶:- پیامبر ﷺ چگونه امتش را به توبه و بازگشت به سوی خداوند توصیه نموده اند؟

ج :- پیامبر گرامی ما حضرت محمد ﷺ میفرماید:

«ای مردم! از خدا آمرزش طلبیده و به درگاه او توبه کنید، زیرا

من در هر روز صد بار توبه می کنم» صحیح مسلم

هدف از این حدیث عدد معین در توبه نیست بلکه کثرت و بسیاری توبه و بازگشت به خداوند است.

س ۹۷:- آیا کسی بدون حساب و عذاب وارد بهشت می شود؟

ج :- بلی ! هفتاد هزار از امت محمد ﷺ بدون حساب و عذاب وارد بهشت خواهند شد، ایشان کسانی اند که بخاطر دم خوانی نزد کسی نمیروند، و جسم های شان را بخاطر تداوی داغ نمیکنند، و انجام کاری و یا خود داری از آنرا به اساس شوم بودن چیزی پی ریزی نمیکنند (بدفالی نمیکنند)، و به پروردگار شان توکل دارند» بر گرفته از حدیث متفق علیه

س ۹۸:- چه کسانی در روز قیامت زیر سایه عرش خداوند قرار می گیرند؟

ج :- پیامبر گرامی ما ﷺ می فرمایند: «هفت کس است که خداوند آنان را در سایه عرش خود، در روزی که جز سایه عرش او وجود ندارد جای میدهد: زمامدار و رهبر عادل، و جوانی که در عبادت خداوند تعالی نشو و نما یافته، و مردی که دلش به مساجد پیوسته است، و دو مردی که برای خدا باهم دوست شدند، و برای او با هم یکجا شدند و برای او از هم جدا گشتند (یعنی دوستی شان تا دم مرگ پایدار بود) و مردی که زنی زیبا و مقبول از او طلب همبستری کرد و او گفت: من از خدا می

ترسم، و مردی که پنهانی صدقه داد، بگونه ای که دست چپش از آنچه دست راستش انفاق کرده با خبر نشد (یعنی دور از ریا و خاص برای خدا بود) و مردی که در تنهائی خدا را یاد نمود و اشک از چشمانش سرازیر شد» متفق علیه.

س ۹۹- بهترین مسلمانان چه کسی می باشد؟

ج- پیامبر خدا ﷺ میفرماید: «آنکه مسلمانان از دست و زبان او در امان بمانند» متفق علیه

از خداوند میخواهیم تا دست های ما را از ظلم و تجاوز بر حقوق دیگران در امان دارد و زبانهای ما را از غیبت و سخن چینی پاک نگهدارد. متأسفانه امروز ما مسلمانان از هدایت و رهنمود های اسلام دور گشتیم، بخاطر بدست آوردن مال و سرمایه و حفظ جاه و منصب چه ظلمی را بر دیگران روا می داریم! ارزش های مردم اعم از آبرو، عزت، کرامت مال، جان و ... آنان نزد ما قیمتی نداشته بلکه در راه منافع شخصی خویش با دست و زبان سایر مسلمانان را اذیت می نمایم.

خداوندا! دست های ما را از تجاوز بر حقوق دیگران حفظ نما.
خداوندا! زبانهای ما را از غیبت، سخن چینی، توهین و تحقیر مسلمانان محفوظ گردان.

مآخذ

- ١- شرح العقيدة الطحاوية للإمام علي ابن ابي العز الحنفي .
- ٢- غاية المرید في شرح كتاب التوحيد للشيخ صالح بن عبد العزيز آل الشيخ
- ٣- معارج القبول للحافظ الحكمي .
- ٤- محاضرات في العقيدة والدعوة للشيخ صالح الفوزان .
- ٥- الواجبات المتحتمات المعرفة على كل مسلم ومسلمة للشيخ محمد بن سليمان التميمي .
- ٦- العقيدة الصحيحة وما يضاها للعلامة عبد العزيز بن باز .
- ٧- التوحيد للناشئة والمبتدئين للدكتور عبد العزيز بن محمد آل عبد اللطيف .

- ٨:- مختصر العقيدة الاسلامية لمحمد بن جميل زينو.
- ٩:- عقيدة اهل السنة والجماعة للشيخ العلامة محمد بن صالح العثيمين.
- ١٠:- التوحيد بين السائل والجيب للشيخ ابراهيم صالح الخضيرى.
- ١١:- البدع والمحدثات وما لا أصل له لحمود عبدالله المطر.
- ١٢:- تفسير نور للشيخ مصطفى خرم دل.
- ١٣:- كتاب التوحيد للشيخ صالح الفوزان.

فهرس

موضوع

صفحه

{ ۲ - ۱ }	مقدمه
{ ۱۴ - ۳ }	مسائل متعلق به ارکان اسلام
{ ۴۶ - ۱۵ }	مسائل متعلق به ارکان ایمان
{ ۷۲ - ۴۷ }	مسائل متعلق به شرک
{ ۸۴ - ۷۳ }	مسائل متعلق به امور نو پیدا در دین
{ ۹۲ - ۸۵ }	مسائل متعلق به عقیده اهل سنت در باره اصحاب کرام
{ ۹۷ - ۹۳ }	مسائل متعلق به توبه
{ ۹۹ - ۹۸ }	مأخذ

پیامبر گرامی ما حضرت محمد ﷺ فرمودند: «همه امت
من داخل بهشت خواهند شد مگر کسیکه از داخل شدن
آن امتناع ورزد، گفته شد: ای رسول خدا! و چه کسی از
داخل شدن به بهشت امتناع می ورزد؟ فرمودند: کسیکه
از من اطاعت کند داخل بهشت خواهد شد، و کسیکه
نافرمانی مرا کند وی کسی است که از داخل شدن به
بهشت امتناع ورزیده است.» روایت بخاری

امام ابوحنیفه رحمه الله علیه و امام شافعی رحمه الله علیه
می فرمایند: «هر گاه صحت حدیث پیامبر ﷺ ثابت شد پس
آن مذهب من است»

امام مالک رحمه الله علیه میفرماید: «بعد از رحلت پیامبر
گرامی ما ﷺ از دنیا، سخن هر کسی قابل قبول و قابل رد
بوده، مگر سخن پیامبر ما ﷺ هرگز قابل رد نیست»

امام احمد بن حنبل رحمه الله علیه می فرماید: «کسیکه
سخن و گفتار پیامبر ﷺ را رد می کند پس بداند که در
کناره هلاکت قرار گرفته است»